

اهمیت فرهنگ



از منظر آیات و روایات





بسم الله الرحمن الرحیم

اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات

نویسنده:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات

مشخصات کتاب

تهیه کننده و ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

صفحه آرا: محمد صادقی

چاپ: اول / ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۵ - ۳۳۶ - ۵۱۴ - ۹۶۴ – ۹۷۸

قیمت: ۰۰۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما؛

تلفن: ۳۲۹۱۵۵۱۱- ۰۲۵ دورنگار: ۳۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیر زمین؛

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ – ۰۲۱ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

دفتر خراسان: مشهد، خیابان امام خمینی رحمه الله ، جنب باغ ملی، ساختمان صبا، طبقه سوم؛ تلفن: ۲۲۱۵۱۰۸ – ۰۵۱۱ نمابر: ۲۲۱۵۱۰۶

ص: ۱

اشاره

چکیده

رهبر انقلاب در سخنرانی خود در ابتدای سال ۱۳۹۳ در مشهد, درباره اهمیت فرهنگ و نقش آن در ابعاد دیگر جامعه فرمودند:

عزیزان من! فرهنگ از اقتصاد هم مهم تر است. چرا؟ چون فرهنگ به معنای هوایی است که ما تنفس می کنیم. شما ناچار هوا را تنفس می کنید. چه بخواهید چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما. اگر این هوا کثیف باشد آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هواست. اگر درست باشد آثاری دارد. الآن درباره تولید داخلی حرف می زنیم. اگر بخواهیم مصرف تولیدات داخلی به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، باید فرهنگ تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتد. اگر بخواهیم مردم اسراف نکنند، بایستی این، باور مردم شود. این یعنی فرهنگ.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) به عنوان دیده بان و هدایت گر نظام، با درایت و تیزبینی بی نظیر خود، چالش ها و مشکلات پیش روی جامعه ایرانی را رصد می کنند و هر ساله، در قالب شعار سال، همه مردم و مسئولان و نخبگان کشور را به تلاش و کوشش فرا می خوانند.

معظم له سال ۱۳۹۳ را سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نام نهادند. گویا مسئله اقتصاد در این سال اهمیت خاصی دارد و پاشنه آشیل جمهوری اسلامی در مقابل استکبار جهانی خواهد بود. کما اینکه استکبار بعد از شکست در جبهه های نظامی و سیاسی و اجتماعی, روی مسائل اقتصادی متمرکز شده و با وضع تحریم های سنگین اقتصادی که شاید در تاریخ جهان امروزی بی سابقه بوده است، به زعم خود نابودی جمهوری اسلامی را هدف قرار داده اند.

نکته مهم در انتخاب شعار سال ۹۳ این است که علاوه بر تأکید بر مسائل اقتصادی, مسائل فرهنگی نیز به عنوان چالش مهم کشور مطرح شده است که بیانگر فعالیت مضاعف دشمن در این جبهه است. علت آن نیز روشن است؛ زیرا فرهنگ روح و جان هر ملت است و صعود و سقوط هر ملتی، بسته به فرهنگ آن ملت است. استکبار به این نتیجه رسیده است که برای اثرگذاری تحریم های اقتصادی، باید فرهنگ نیز مورد هجمه قرار گیرد تا تحریم ها اثر خود را بگذارد.

در این نوشتار سعی داریم تا با بررسی فرهنگ از دیدگاه اسلام (آیات و روایات)، پاره ای از زوایای پنهان فرمایش مقام معظم رهبری را زیر ذره بین ببریم تا برنامه سازان در تهیه برنامه هایی با موضوع فرهنگ از آن سود ببرند.

ص: ۸

مقدمه

اشاره

مقدمه

رهبر انقلاب در سخنرانی خود در ابتدای سال ۱۳۹۳ در مشهد, درباره اهمیت فرهنگ و نقش آن در ابعاد دیگر جامعه فرمودند:

عزیزان من! فرهنگ از اقتصاد هم مهم تر است. چرا؟ چون فرهنگ به معنای هوایی است که ما تنفس می کنیم. شما ناچار هوا را تنفس می کنید. چه بخواهید چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما. اگر این هوا کثیف باشد آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هواست. اگر درست باشد آثاری دارد. الآن درباره تولید داخلی حرف می زنیم. اگر بخواهیم مصرف تولیدات داخلی به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، باید فرهنگ تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتد. اگر بخواهیم مردم اسراف نکنند، بایستی این، باور مردم شود. این یعنی فرهنگ.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) به عنوان دیده بان و هدایت گر نظام، با درایت و تیزبینی بی نظیر خود، چالش ها و مشکلات پیش روی جامعه ایرانی را رصد می کنند و هر ساله، در قالب شعار سال، همه مردم و مسئولان و نخبگان کشور را به تلاش و کوشش فرا می خوانند.

معظم له سال ۱۳۹۳ را سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نام نهادند. گویا مسئله اقتصاد در این سال اهمیت خاصی دارد و پاشنه آشیل جمهوری اسلامی در مقابل استکبار جهانی خواهد بود. کما اینکه استکبار بعد از شکست در جبهه های نظامی و سیاسی و اجتماعی, روی مسائل اقتصادی متمرکز شده و با وضع تحریم های سنگین اقتصادی که شاید در تاریخ جهان امروزی بی سابقه بوده است، به زعم خود نابودی جمهوری اسلامی را هدف قرار داده اند.

نکته مهم در انتخاب شعار سال ۹۳ این است که علاوه بر تأکید بر مسائل اقتصادی, مسائل فرهنگی نیز به عنوان چالش مهم کشور مطرح شده است که بیانگر فعالیت مضاعف دشمن در این جبهه است. علت آن نیز روشن است؛ زیرا فرهنگ روح و جان هر ملت است و صعود و سقوط هر ملتی، بسته به فرهنگ آن ملت است. استکبار به این نتیجه رسیده است که برای اثرگذاری تحریم های اقتصادی، باید فرهنگ نیز مورد هجمه قرار گیرد تا تحریم ها اثر خود را بگذارد.

در این نوشتار سعی داریم تا با بررسی فرهنگ از دیدگاه اسلام (آیات و روایات)، پاره ای از زوایای پنهان فرمایش مقام معظم رهبری را زیر ذره بین ببریم تا برنامه سازان در تهیه برنامه هایی با موضوع فرهنگ از آن سود ببرند.

گفتنی است در آغاز سال ۱۳۹۲ و به مناسبت شعار آن سال, ۱۰ عنوان کتاب در زمینه اقتصاد تهیه و به برنامه سازان رسانه تقدیم کردیم. بنابراین، برای اختصار، بُعد اقتصادی موضوع را به مجموعه فوق واگذار نموده، در این جزوه تنها به مقوله فرهنگ می پردازیم.

پرسش اصلی

پرسش اصلی

دیدگاه اسلام (آیات و روایات) درباره فرهنگ چیست؟

پرسش فرعی

پرسش فرعی

ــ فرهنگ چیست و چه نسبتی با دین دارد؟

ــ ویژگی های کار فرهنگی از نگاه اسلام چگونه است؟

ــ متولیان فرهنگی از نگاه آیات و روایت چه ویژگی هایی باید داشته باشند.

ــ دیدگاه اسلام (آیات و روایات) درباره تهاجم فرهنگی دشمنان چیست؟

ص: ۱۳

فصل اول

اشاره

کلیات

اشاره

کلیات

در این نوشتار سعی داریم تا اهمیت و جایگاه فرهنگ و مسئولیت کارگزاران و متولیان فرهنگی و راه های نفوذِ فرهنگی دشمنان را از دیدگاه قرآن و روایات و به طور کلی از منظر بررسی کنیم. دست یابی به این مهم، نیازمند پاسخ گویه به پرسش های زیر است: فرهنگ چیست؟ دین چیست؟ قلمرو هریک از این دو به چه میزانی است؟ نسبت بین دین و فرهنگ چیست؟ آیا این دو در یکدیگر اثر دارند یا بیگانه هستند. برای رسیدن به این پاسخ ها مباحث زیر را فراهم آورده ایم.

تعریف دین: تعاریف بسیاری برای دین بر شده است. علامه طباطبایی در المیزان دین را این گونه تعریف کرده است:

«دین عبارت است از: یک سلسله معارف علمی که معارف عملی به دنبال دارد و جامع همه آن معارف, یک کلمه است و آن عبارت است از «اعتقادات»».(۱)

حضرت آیت الله جوادی آملی دین را این گونه تعریف کرده است:

«مجموعه عقاید, اخلاق, قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان ها باشد».(۲)

حضرت آیت الله مصباح یزدی نیز در تعریف دین می گوید:

«اعتقاد به آفریننده ای برای جهان و انسان, و دستورات عملی متناسب

۱- ترجمه المیزان, ج۲, ص۵۲۳.

۲- شریعت درآینه معرفت, ص۹۳.

با این عقاید می باشد».(۱)

بر اساس این تعریف ها, دین از سه دسته معارف تشکیل می شود. ۱. عقاید, ۲. اخلاق, ۳. احکام و هدف از دین، پرورش نهادن سعادت دنیوی و اُخروی آنهاست.

قلمرو دین: در مسئله قلمرو دین و گستره شریعت، اقوال و نظرهای گوناگونی بیان شده است.

برخی بر این نظرند که دین فقط عهده دار مسائل فردی و بیان رابطه بین انسان و خداست و در مورد مسائل اجتماعی, سیاسی و اقتصادی نظری ندارد. انسان ها باید در این امور، به کمک عقل تصمیم بگیرند. به عبارت دیگر، دین در این موارد حداقلی عمل کرده است.

دسته دیگر معتقدند دین نه تنها به مسائل فردی و بیان ارتباط انسان با خدا وارد شده است، بلکه به مسائل اجتماعی و سیاسی نیز پرداخته است و به عبارتی، حداکثری عمل کرده است.

آنچه علمای بزرگ معاصر نظر دوم را تأیید کرده اند, حضرت علامه طباطبایی در المیزان می فرمایند:

دین عبارت است از روش خاصی در زندگی دنیا که هم صلاح زندگی دنیا را تأمین می کند و هم در عین حال با کمال اخروی و زندگی دائمی و حقیقی در جوار خدای تعالی موافق است. ناگزیر چنین روشی باید در شریعتش قوانینی باشد که متعرض حال معاش به قدر احتیاج نیز باشد.(۲)

حضرت آیت الله جوادی نیز در باب حداکثری بودن دین می فرمایند:

۱- آموزش عقاید, ج ۱, ص ۱۱.

۲- ترجمه المیزان, ج ۲, ص ۱۹۴.

آنچه که در کتب عقلی برای ضرورت وحی و دین ذکر کرده اند، دین را تنها برای روابط فردی خلق با خداوند یا برای روابط اخلاقی انسان ها نسبت به یکدیگر اثبات نمی نماید, بلکه آن را برای برقراری نظام قسط و عدل ضروری می شمارد.(۱)

بنابراین، گستره دین و به خصوص اسلام، به جهان آخرت و امور فردی منحصر نیست، بلکه شمول آن در جهاتی است که به سعادت و آرامش دنیوی و اخروی انسان مربوط می شود.

تعریف لغوی و اصطلاحی فرهنگ

تعریف لغوی و اصطلاحی فرهنگ

«فرهنگ» در لغت به معنی تعلیم و تربیت(۲) است و در اصطلاح عبارت است از «ابزارها، رسوم، معتقدات، علوم، هنرها و سازمان های اجتماعی».(۳)

بنابراین، فرهنگ معنای گسترده ای دارد و شامل علوم, هنر, اخلاق, آداب و رسوم, عادات و نهادها می شود.

فرهنگ، اساس و پایه اجتماع و سبب پیوند اعضای آن است. شخصیت جمعی و هویت اجتماعی هر جامعه ای به فرهنگ آن مستند است.(۴)

مقام معظم رهبری در تعریف فرهنگ فرمودند:

«فرهنگ, یعنی خلقیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت,

۱- عبدالله جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت, ص ۱۱۶, با اندکی تغییر.

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا, ج۱۱, ص ۱۷۱۳۲.

۳- آریان پور، زمینه جامعه شناسی, ص ۱۲۰.

۴- اقتصاد, فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی: مفاهیم و دیدگاه ها, ص۱۳.

تفکراتش, ایمانش, آرمانش, اینها تشکیل دهنده مبانی فرهنگ یک کشور است».(۱)

بنابراین، فرهنگ روح و جان ملت و کشور است. اگر فرهنگ کشور متعالی باشد, آن کشور امید به پیشرفت دارد والّا باید به اصلاح فرهنگ خود بپردازد.

ویژگی های زیر را می توان برای فرهنگ در نظر داشت:(۲)

۱. انسانی بودن؛ فرهنگ حاصل توانایی خاص ذهنی و دستی بشر است؛

۲. اجتماعی بودن؛ فرهنگ عصاره زندگانی اجتماعی است؛

۳. تأثیر و تأثر؛ فرهنگ جامعه و افراد انسانی در یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند؛

۴. قابلیت انتقال به عنوان یک میراث فرهنگی یا اجتماعی از نسلی به نسل دیگر قابل انتقال است؛

۵. فرهنگ اکتسابی است؛

۶. دو بعدی بودن فرهنگ؛ یعنی هم جنبه مادی و هم جنبه معنوی متمایز دارد.

نسبت میان دین و فرهنگ

نسبت میان دین و فرهنگ

بعد از تعریف دین و فرهنگ و بیان قلمرو و گستره آن, به نسبت میانی این دو می پردازیم.

۱- مقام معظم رهبری، فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری, ص۸۵.

۲- محمدحسین جمشیدی, «تهاجم فرهنگی چیست؟»، فصل نامه مطالعات بسیج, صص ۹۳ و ۹۴.

در باب نسبت میان دین و فرهنگ سه رویکرد ارائه شده است.

۱. دین محصول فرهنگ است

۱. دین محصول فرهنگ است

بر اساس این نظریه، فرهنگ مولود تحولات اجتماعی است و دین به عنوان یکی از نهادهای زیرمجموعه فرهنگ و ساخته و پرداخته آن است. بشر برای زندگی بهتر و آرامش تر خود و همچنین برای تأمین بخشی از نیازهایش که از طریق دیگر قابل تأمین نیست, دین را ساخته و به آن پرداخته است. در نتیجه دین نقش هدایت گری نسبت به فرهنگ ندارد، بلکه در خدمت فرهنگی است.(۱) دورکیم از جمله نمایندگان این نظریه است. به باور دورکیم, دین پدیده جمعی و آفریده اجتماعی است و در حقیقت، دین همان جامعه است که بر کرسی قداست تکیه زده و معبود افراد جامعه قرار گرفته است و وجودش برای حیات اجتماعی از ضروریات است.(۲)

ریشه این نظریه به نگاه ناقص به دین و تعریف نابه جا از دین برمی گردد؛ زیرا دین امری ماوراءالطبیعی است که در فطرت انسان ها ریشه دارد.

۲. دین از عوامل فرهنگ ساز است

۲. دین از عوامل فرهنگ ساز است

بر اساس این رویکرد, دین و فرهنگ در عرض یکدیگرند و با همدیگر تعامل دارند. به این معنی که دین در فرهنگ سازی و فرهنگ در دین اثرگذار است و یا دست کم در شناخت از دین مؤثر است. صاحب نظران

۱- علی رضا پیروزمند, «نقش دین در مهندسی فرهنگی کشور», ص۲.

۲- محمد بهرامی, «نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن», نشریه پژوهش های قرآنی, ص۱۲.

این نظریه معتقدنـد فرهنگ از اجزای مختلفی تشـکیل شـده است. ماننـد آداب, رسوم, رفتارها, هنر, ارزش ها, خط و زبان که دین نیز یکی از این اجزاست. در واقع، صاحبـان این نظریه به دین نگاه حـداقلی دارنـد، یعنی قلمرو دین را فقط مسائل فردی و اُخروی می داننـد و محـدوده ای فراتر از این برای دین قائـل نیسـتند. نگرش معنـویت گرای مسـیحی، جزو این دسـته هسـتند و برخی متفکران اسلامی نیز این نظریه را قبول دارند و از آن پشتیبانی می کنند.(۱)

۳. دین منشأ فرهنگ سازی است

۳. دین منشأ فرهنگ سازی است

در این نظریه دین, ابزار سـرپرستی بشـر، در همه شـئون فردی, اجتماعی و تاریخی است و به اصـطلاح، دین حـداکثری، اساس این نظریه است. لازمه چنین مبنایی این است که دین آموزه های خود را نسبت به شکل دهی باورها, ارزش ها و رفتار بشر، در معرض اسـتفاده پیروان ادیـان الهی به ویژه اسـلام قرار داده است و به این ترتیب راه کمـال و سـعادت را به مؤمنـان نشـان داده است. از سوی دیگر فرهنگ, مجموعه پذیرش های هنجاریافته, در بخش های اخلاقی, ارزشـی و اعتقادی است. به این ترتیب بین عرصه دین و فرهنگ خبرگزاری فارس، نزدیکی تنگاتنگی ایجاد می شود.(۲)

بنـابراین، هم دین در فرهنگ مؤثر است و می توانـد به اصـلاح یا حـذف آن بینجامـد و هم فرهنگ می توانـد در فهم از دین، اثرگذار باشد. در مورد تأثیر نقش دین در فرهنگ مواردی می توان اشاره کرد. برای مثال در زمان

۱- نقش دین در مهندسی کشور, ص۲.

۲- نقش دین در مهندسی کشور, ص۳.

جاهلیت، اعراب، فرهنگ خاصی در برخورد با اعضای خانواده داشتند. در این فرهنگ، فرزندان پسر از جایگاه خاصی برخوردار بودند و فرزندان دختر، مایه ننگ و عار خانواده خوانده می شدند و پدران دختران، خود را زنده به گور می کردند.(۱) با ظهور اسلام, این فرهنگ باطل شد و دختران به مقام و منزلت پسران رسیدند.

همچنین برای نمونه می توان از تعدد زوجات در زمان جاهلیت اعراب نام برد که این امر بدون قید و ضابطه ای انجام می شد و به عنوان فرهنگ اصیل جاهلی جا افتاده بود. اسلام با تغییر برخی از آداب آن و ایجاد چارچوب و شرایطی ویژه آن را تأیید کرد. از این دست مسائل بسیار به چشم می خورد.

تأثیری که فرهنگ در فهم از دین دارد و طرفداران دین را به مبانی و روش های فهم دین رهنمون می سازد بدین صورت است که شاخه های گوناگون علوم که در شمار عناصر فرهنگی قرار می گیرند، در فهم بخش های گوناگون دین یاریگر دین پژوه خواهد بود و فهم او را از دین متحول خواهد کرد.(۲)

نظر بسیاری از علمای اسلام به خصوص امام راحل رحمه الله و مقام معظم رهبری با این رویکرد مطابق است.(۳)

سخنان حضرت امام راحل و مقام معظم رهبری درباره فرهنگ, به خصوص نام گذاری سال ۱۳۹۳ به عنوان سال اقتصاد و فرهنگ را باید از این منظر توجیه کرد.

۱- محمد بهرامی، نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن, پژوهش های قرآنی، ص۱۱.

۲- محمد بهرامی، نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن, پژوهش های قرآنی، ص۲۴.

۳- فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری, ص۳.

نتیجه گیری

نتیجه گیری

در این نوشتار، بر طبق رویکرد سوم (از رویکردهای موجود در نسبت میان دین و فرهنگ) مشی می کنیم و بر این باور هستیم که دین اسلام به تمام مسائل لازم زندگی فردی و اجتماعی انسان توجه داشته و آنچه را در سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی بشر مؤثر است بیان کرده است.

برای درک تأثیر اسلام بر فرهنگ جاهلی عرب می توان به این کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام توجه کرد. ایشان در تشریح وضعیت فرهنگی مردم عرب جاهلی هنگام بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

خداوند, پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله را هشداردهنده جهانیان مبعوث فرمود تا امین و پاسدار وحی الهی باشد, درحالی که شما ملت عرب, بدترین دین را داشته, و در بدترین خانه زندگی می کردید, میان غارها, سنگ های خشن و مارهای سمّی خطرناک فاقد شنوایی, به سر می بردید. آب های آلوده می نوشیدید و غذاهای ناگوار می خوردید. خون یکدیگر را به ناحق می ریختید و پیوند خویشاوندی را می بریدید, بت ها را می پرستیدید پرستش می شد و مفاسد و گناهان شما را فراگرفته بود.(۱)

با مقایسه این وضعیت فرهنگی عرب جاهلی با فرهنگی که پیامبر اسلام با اتکا به وحی، برای همان مردم به ارمغان آورده, به نقش اسلام در فرهنگ سازی پی می بریم. اسلام و به خصوص پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به

۱- نهج البلاغه (صبحی صالح), ص۶۸, نهج البلاغه (ترجمه: محمد دشتی) ص۷۳.

سه شیوه با عناصر فرهنگ رایج بین مردم عمل می کرد.

۱. حذف: اگر آن عنصر بامبانی اسلام ناسازگار بود و هرگز قابل اصلاح نبود, پیامبر آن را حذف می کردند و قانون جدیدی را جانشین آن می کردند.

۲. اصلاح: اگر عناصر آن فرهنگ با معارف اسلام تا حدی در تعارض بود، اما قابلیت اصلاح را داشت, حضرت آن را اصلاح می کردند.

۳. پذیرش: اگر آن فرهنگ با مبانی اسلام در تضاد نبود و مطابق فطرت انسان ها بود و برای جامعه نیز مصلحت داشت, حضرت آن را قبول می کردند و مهر تأیید بر آن می زدند.

بنابراین، قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله از عوامل فرهنگ ساز در جامعه اسلامی است.

اسلام برای اشاعه این فرهنگ ناب الهی، از روش ها و شیوه های خاص خود استفاده کرد و برای متولیان و هدایت گران فرهنگ ناب اسلامی نیز شرایطی قرار داده است. بنابراین، در کشور ما که انقلاب اسلامی رخ داده و مردم و مسئولان درصدد برپایی فرهنگ غنی اسلامی هستند، باید این توصیه هایی قرآن و روایی را مد نظر داشت و به شیوه ای عمل کرد که پیامبران و معصومان علیهم السلام در اشاعه فرهنگ اسلامی عمل می کردند.

بی شک، ترویج فرهنگ مبتنی بر اسلام، از راهی غیر از کتاب و سنت به منزل نخواهد رسید. از این رو، در این نوشتار می کوشیم تا با تبیین توصیه های این دو منبع الهی در فعالیت های فرهنگی, همه دست اندرکاران فرهنگی را در رسالت خطیرشان یاری رسانیم.

فصل دوم

اشاره

اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات

۱. کار فرهنگی بهترین کار است

۱. کار فرهنگی بهترین کار است

خداوند می فرماید: «وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمّنْ دَعا إِلَی اللّهِ وَ عَمِلَ صالِحًا وَ قالَ إِنّنی مِنَ الْمُسْلِمینَ ؛ چه کسی را نیکوتر از سخن آنکه به سوی خدا دعوت می کند و کارهای شایسته می کند و می گوید البته که من از مسلمانانم». (فصلت: ۳۳)

شأن نزول آیه در مورد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است، اما به ایشان اختصاص ندارد و شامل هر فردی می شود که مردم را به خدا و طاعت او دعوت کند. بنابراین، دعوت به خداوند یک کار فرهنگی است، بهترین کار است؛ زیرا خداوند جامعه تمام خوبی ها و ضد همه بدی ها و کژی هاست در حدیثی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره ارزش کسی که مردم را هدایت می کند و به سوی خدا رهنمون می سازد می فرماید: «یا عِلِیٌّ علیه السلام لَاَنَّ یَهدِیَ اللهُ عَلی یَدَیْکَ رَجُلاً خَیرٌ لَکَ مِمّا طَلَعَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ؛ ای علی اگر خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن تابیده است برای تو بهتر است».(۱)

بنابراین، تبلیغ و دعوت به سوی خدا کار مهم ارزشی و فرهنگی است. دست اندرکاران فرهنگ باید توجه داشته باشند که کار خوب فرهنگی آن

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۲.

نیست که علمی باشد یا هنری باشد یا انسان های بزرگ آن را انجام دهند، بلکه باید جهت آن نیز الهی باشد و آن دعوت به سوی حق است. در واقع، آیه فوق نشان دهنده شاخص برای کار فرهنگی باارزش است.

۲. ارزش کار فرهنگی روی یک نفر (هدایت) برابر با احیای جامعه است

۲. ارزش کار فرهنگی روی یک نفر (هدایت) برابر با احیای جامعه است

خداوند می فرماید:

وَ مَنْ أَحْیاها فَکَأَنّما أَحْیَا النّاسَ جَمیعًا؛ هرکس، کس دیگری را حیات بخشد، چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده باشد. (مائده: ۳۲)

مراد از احیا و زنده کردن در آیه، نجات انسان از مرگ نیست، بلکه بنا بر تعبیراتی که در قرآن آمده به هدایت به سوی حق نیز، احیا اطلاق می شود. چنانکه در آیه «أَوَ مَنْ کانَ مَیْتًا فَأَحْیَیْناهُ...؛ آیا کسی که مرده بود و ما زنده اش کردیم...» (انعام: ۱۲۲) کسی که فرد گمراهی را به سوی ایمان راهنمایی کند، او را زنده کرده است.(۱)

همچنین امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش راوی که از تفسیر آیه فوق پرسیده بود فرمود:

مَنْ اَخْرَجَها مِن ضَلالٍ اِلی هُدیً فَقَدْ اَحیاها وَ مَنْ اَخْرَجَها مِنْ هُدیً اِلی ضَلالَهٍ فَقَدْ قَتَلَها.(۲)

کسی که فردی را از گمراهی نجات دهد و او را هدایت کند، به تحقیق او را حیات بخشیده و کسی که فرد را از هدایت به گمراهی بکشاند، او را کشته است.

۱- ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۵۱۹.

۲- تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۱۳.

بنابراین، مفهوم آیه این خواهد بود که هدایت یک فرد در کار فرهنگی، ارزش حیات بخشیدن و نجات همه انسان ها را خواهد داشت که نشان دهنده اهمیت بالای کار فرهنگی است و این آیه بهترین آیه در نشان دادن اهمیت و ارزش کار فرهنگی است.

۳. ایجاد انحراف در مسائل فرهنگی، بالاترین ظلم هاست

۳. ایجاد انحراف در مسائل فرهنگی، بالاترین ظلم هاست

خداوند می فرماید:

وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمّنِ افْتَری عَلَی اللّهِ کَذِبًا؛ چه کسی است ستمکارتر از آنکه به خدا دروغ می بندد. (انعام: ۲۱)

عبارت بالا که بیش از ۱۰ بار در قرآن کریم تکرار شده و نشان از تأکید است، دروغ بستن به خداوند را «بزرگ ترین ظلم» شمرده است.

مفسران با توجه به آنکه قرآن شرک را «ظلم بزرگ» معرفی نموده(۱) و نیز با توجه به قرائن دیگر، مصداق دروغ بستن به خداوند را «قرار دادن شریک برای وی»، تلقی نموده(۲) و از آیه مورد بحث چنان فهمیده‌اند که بالاترین ظلم آن است که کسی مشرک شده و اصل توحید را انکار کند.

بر این اساس، روشن است که ایجاد هرگونه انحراف فرهنگی که موجب گسترش شرک و دوری از اصل توحید و یگانه پرستی شود، افتراء و دروغ بر خدا و ظلمی بزرگ خواهد بود. نتیجه کار فرهنگی باید به یکتاپرستی و توحید بینجامد و انسان را به فلاح و رستگاری رهنمون سازد. بنابراین، کار فرهنگی اهمیت فراوان دارد و انحراف و سهل انگاری

۱- لقمان در شمار اندرزهای خود به فرزند می فرماید: «یا بُنَیّ لا تُشْرِکْ بِاللّهِ إِنّ الشِّرْکَ لَظُلْمٌ عَظیمٌ». (لقمان: ۱۳)

۲- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۱۸۴.

در آن می‌تواند به بزرگ ترین ظلم‌ها منجر شود.

۴. انجام فعالیت‌های فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله منّت الهی بر مؤمنان

۴. انجام فعالیت‌های فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله منّت الهی بر مؤمنان

خداوند می‌فرماید:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ... ؛ به یقین، خدا بر مؤمنان منّت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد... . (آل عمران: ۱۶۴)

خداوند در این آیه به مؤمنان منّت می‌گذارد و پیامبری از جنس خدایی برایشان مبعوث کرد تا آنها را پاک سازد و حکمت و کتاب را به آنها بیاموزد. منت بعضی اعطای هر نعمت سنگین و گران بهاست و این منّت کاری پسندیده و زیبنده است اما آن منّتی که ناپسند و زشت است عبارت است از اینکه کسی کار کوچک خود را با سخن، بزرگ کند و به رُخ افراد بکشد.(۱) بنابراین، چون هدایت مردم و نشان دادن راه هدایت نعمت بسیار بزرگی بود، خداوند به وسیله آن بر مؤمنان منت گذارد و این نشان از اهمیت کار فرهنگی به قصد هدایت مردم است.

ازاین رو، بازخوانی آیات خداوند بر گوش جان بندگان، تربیت الهی آنان، ترویج تعالیم کتاب آسمانی و حکمت های حیات بخش از سوی هرکس صورت گیرد، می‌تواند تداوم رسالت پیامبرانه باشد و منت خداوندی بر جوامع به حساب آید.

۱- تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۵۸؛ تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۹۰.

فصل سوم

ویژگی های کار فرهنگی از منظر آیات و روایات

اشاره

ویژگی های کار فرهنگی از منظر آیات و روایات

زیر فصل ها

۱. آغاز هر کار از جمله فرهنگی باید با نام خدا باشد

۲. نتیجه یک کار فرهنگی باید ایجاد حیات معنوی باشد

۳. محور کار فرهنگی دعوت به یکتاپرستی و مبارزه با طاغوت است

۴. در کار فرهنگی تزکیه مقدم بر تعلیم است

۵. توفیق به ثمر رسیدن کار فرهنگی از آن خداست

۶. در کار فرهنگی باید استقامت داشت

۷. عنصر زمان و مکان در کارهای فرهنگی اهمیت دارد

۸. مباحث فرهنگی باید آسان، روان، عوام فهم و خواص پسند باشد

۹. مؤلفه‌های گفتمان فرهنگی هدایت: استدلال، موعظه و در مواردی مناظره

۱۰. غرض از کار فرهنگی باید نجات مردم از تاریکی ها به سوی نور باشد

۱۱. در کار فرهنگی باید سطح مخاطب را در نظر گرفت

۱۲. کار فرهنگی را باید از خانواده و نزدیکان شروع کرد

۱۳. پذیرایی و میهمانی هموارکننده کار فرهنگی

۱۴. کار فرهنگی باید مداوم و بی وقفه و متنوع باشد

۱۵. کار فرهنگی باید تدریجی و از روی نظم و برنامه باشد

۱۶. توجه به مسائل مادی مردم زمینه ساز کار فرهنگی است

۱۷. تجلیل بزرگان: اقدامی فرهنگی

۱۸. به کارگیری همه ابزارها و فرصت ها در امور فرهنگی

۱۹. از غلو و افراط در کارهای فرهنگی باید پرهیز کرد

۲۰. استقلال فرهنگی باید حفظ شود

۲۱. در کارهای فرهنگی باید مشورت کرد

۲۲. اصلاحات فرهنگی باید با آزادی و انتخاب آگاهانه مردم باشد

۲۳. در کارهای فرهنگی باید به ادبیات مخاطبان آشنا بود

۲۴. خنده و گریه از ابزارهای مجاز کار فرهنگی است

۲۵. شکستن خرافات و رسوم جاهلی یکی از وظایف مسئولان فرهنگی است

۲۶. در مبارزات فرهنگی عفت زبان و ادب را باید رعایت کرد

۲۷. کارهای فرهنگی گاهی به از خودگذشتگی، ایثار و جان فشانی نیاز دارد

۱. آغاز هر کار از جمله فرهنگی باید با نام خدا باشد

۱. آغاز هر کار از جمله فرهنگی باید با نام خدا باشد

خداوند می‌فرماید:

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ؛ بخوان به نام پروردگارت که آفرید. (علق:۱)

در این آیه، خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که با نام خداوند قرآن را آغاز کند. و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در هر کاری با نام و یاد خدا کارها را آغاز می کرد و این جزو سیره و منش آن حضرت بود. در روایتی امام حسن عسکری علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده است که:

کُلُّ امرٍ ذی بالٍ لم یُذْکَرْ فیه بسم الله فَهُوَ اَبْتَرْ.(۱)

هر کار مهمی که در آن بسم الله گفته نشود ناقص و بی‌دنباله خواهد بود و به سرانجام نمی‌رسد.

بنابراین، کارهای فرهنگی را که از قداست خاصی برخوردار است باید با نام خدا شروع کرد و از خداوند درخواست کرد که آن را به سرانجام برساند. از آنجا که شروع هر کار با گذاردن سنگ بنای آن و تعیین جهت‌گیری آن توأم است مسلماً کاری که با نام خدا آغاز نشود جهت الهی نیز ندارد.

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۰۵.

۲. نتیجه یک کار فرهنگی باید ایجاد حیات معنوی باشد

۲. نتیجه یک کار فرهنگی باید ایجاد حیات معنوی باشد

خداوند می‌فرماید:

یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد، آنان را اجابت کنید... . (انفال: ۲۴)

بر اساس معارف اسلامی روح انسان، همانند جسم او، مرگ و حیاتی ویژه خود دارد و چه بسا جسمی زنده ولی گرفتار مرگ روحی است. انسان هایی که جز برآوردن نیازهای جسمی خود، دغدغه دیگری ندارند، از این نمونه اند و در میان زندگانی که روحشان نیز زنده است کسانی هستند که هر روز زنده تر شده و یا برعکس به مرگ کامل روحی نزدیک می شوند.

پیام قرآن برای زنده دلان آن است که اگر می خواهند روحشان زنده تر و فعال تر شود، باید خود را در معرض دعوت هایی قرار دهد که از سوی خدا و رسول به آنها می رسد قرار داده و به آنها جواب مثبت گویند.

از آنجا که همه دعوت های آسمانی از سنخ راهنمایی های فرهنگی است باید گفت که از میان فعالیت های فرهنگی فقط آنهایی سازنده و سودمند است که حیات معنوی انسان ها را هدف قرار دهد. به عبارتی دیگر، قرآن کریم برای به سعادت رساندن انسان‌ها، فطرت سالم و عقل خدادادی آنان را به کار گمارده و پیامبران را برای آموزش و راهبری‌شان بدان افزوده است. همه این ابزارهای هدایت از مقوله «فرهنگ» است و فقط برنامه‌هایی برای سعادت انسان به کار می‌آید که همانند آموزه‌های پیامبران، فرهنگ بشریت را مخاطب قرار دهد.

یعنی اگر بخواهیم مختصات یک برنامه فرهنگی موفق را ترسیم کنیم، کافی است خط سیر تعالیم انبیا را در قرآن بازنویسی نماییم. خط سیر انبیا همان است که مردمان را به سوی آن خوانده‌اند یا از ارتکابش هشدار داده‌اند.

بر اساس آیه بالا، حقیقت و ماهیت کار فرهنگی ایجاد حیات معنوی و عقلانی در میان مردم است. کار فرهنگی نه تنها نباید انسان را به سراشیبی سقوط سوق دهد بلکه باید روحی تازه در او بدمد و شور و امید جاودانگی را برای او به ارمغان بیاورد.

۳. محور کار فرهنگی دعوت به یکتاپرستی و مبارزه با طاغوت است

۳. محور کار فرهنگی دعوت به یکتاپرستی و مبارزه با طاغوت است

خداوند می‌فرماید:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اُعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...؛ و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید:] «خدا را بپرستید و از طاغوت [= فریبگر] بپرهیزید... . (نحل: ۳۶)

این آیه می‌فرماید اساس و محور کار فرهنگی، باید دعوت به یکتاپرستی و دوری از طاغوت و هر چیز اغوال گری باشد و هر آنچه غیر از این باشد انحراف است. بنابراین، محور قرار گرفتن چیزهای دیگر مثل سرگرمی، تفریح، هیجان های کاذب و خشونت، فاصله گرفتن از کار فرهنگی مطلوب است.

۴. در کار فرهنگی تزکیه مقدم بر تعلیم است

۴. در کار فرهنگی تزکیه مقدم بر تعلیم است

خداوند می‌فرماید:

هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمْ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَهَ وَإِنْ کَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُبِینٍ؛ اوست آن کس که در میان درس ناخوانندگان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد... . (جمعه: ۲)

در این آیه خداوند تزکیه و تربیت را بر آموزش و تعلیم مقدم داشت و این امر نشان می‌دهد که تربیت و آموزش هر دو در کار فرهنگی لازم و بایسته است اما تربیت از اهمیت بیشتری برخوردار است و آموزش به عنوان ابزاری برای رسیدن به تربیت است. بنابراین، متولیان فرهنگی دقت داشته باشند که محور اصلی کار فرهنگی تربیت است و تربیت و تزکیه اخلاقی بستری فراهم آورد تا انسان از آموزش سوءاستفاده نکند و از علم برای اهداف غیرانسانی و غیرتوحیدی بهره نگیرد.

۵. توفیق به ثمر رسیدن کار فرهنگی از آن خداست

۵. توفیق به ثمر رسیدن کار فرهنگی از آن خداست

خداوند می‌فرماید:

إِنَّکَ لَا تَهْدِی مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَکِنَّ اللَّهَ یَهْدِی مَنْ یَشَاءُ...؛ در حقیقت، تو هر که را دوست داری نمی توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می کند... . (قصص: ۵۶)

منظور از هدایت در این آیه راهنمایی کردن و نشان دادن راه نیست، بلکه رساندن به هدف مطلوب و قبول ایمان است(۱) و چنین هدایتی کار

۱- ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص ۷۸.

رسول خـدا و کس دیگری نیست، بلکه کار خداونـد است و هیـچ کس در آن با او شـریک نیست. خداونـد است که دل‌ها را آماده قبول و پـذیرش حق و ایمانی می‌کند و آنها را از سـقوط به گمراهی‌ها نجات می دهد. آیات فراوان دیگری نیز به همین معنـا اشاره دارد. برای مثال خداونـد در سوره بقره آیه ۲۷۲ می‌فرمایـد: «لَیْسَ عَلَیْکَ هُـدَاهُمْ وَلَکِنَّ اللَّهَ یَهْدِی مَنْ یَشَاءُ؛ هدایت آنها بر عهده تو نیست، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می کند.» همچنین در آیه دیگری می‌فرماید:

...لَوْ أَنفَقْـتَ مَـا فِی الْـأَرْضِ جَمِیعًـا مَـا أَلَّفْتَ بَیْنَ قُلُـوبِهِمْ وَلَکِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَیْنَهُمْ؛ اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می کردی نمی توانستی میان دل هایشان اُلفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان اُلفت انداخت... . (انفال: ۶۳)

بنـابراین، وجود امکانـات و نیروی انسـانی در کارهـای فرهنگی امری لازم است، امـا کـافی نیست و بایـد از خـدا بخواهیم که کارهـای فرهنگی را به نتیجه برسانـد و ایمـان را در دل مردم ثـابت کنـد و موجب شود تـا سـنت‌های قـدیمی و منحرف از دل جامعه رخت بربندد و آداب اسلامی در جامعه حاکم شود.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

بُعِثْتُ داعیاً وَ مُبَلِّغاً و لَیْسَ اِلَیَّ مِنَ الهُدی شَیْءٌ.(۱)

من [فقط] برای دعوت و رساندن [پیام] برانگیخته شدم و در کار هدایت، هیچ اختیاری ندارم.

۱- میزان الحکمه، ج ۱۲، ص ۵۸۹.

۶. در کار فرهنگی باید استقامت داشت

۶. در کار فرهنگی باید استقامت داشت

خداوند می‌فرماید:

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ... ؛ پس، همان گونه که دستور یافته ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]... . (هود: ۱۱۲)

خداوند در این آیه پیامبر خود و همه کسانی را که از شرک توبه کردند و ایمان آوردند به استقامت در راه تبلیغ و ارشاد و مبارزه با دشمن و استقامت در انجام وظایف الهی دستور می‌دهد. استقامت نیز باید برای اطاعت از فرمان الهی باشد و آن‌گونه که او دستور داده انجام شود و اهداف دیگری در کار نباشد.

از ابن عباس نقل شده است که: هیچ آیه‌ای بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل نشده که سخت‌تر و پر مشقت‌تر از این آیه باشد. از همین رو، که وقتی اصحاب از آن حضرت پرسیدند چه زود پیری در شما اثر کرد، در جواب آنها فرمود: «شَيَّبتنی هودَ وَ الواقِعَه؛ سوره هود و واقعه پیرم کرد». (۱)

بنابراین، کسانی که کار فرهنگی انجام می‌دهند باید در کار خود استقامت داشته باشند و از سختی‌ها و مشکلاتی که در روند کار پیش می‌آیند نهراسند.(۲)

همچنین در آیه دیگر خداوند به پیامبرش می‌فرماید:

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُوْلُوا الْعَزْمِ مِنْ الرُّسُلِ ... ؛ پس همان گونه که پیامبران نستوه، صبر کردند، صبر کن... . (احقاف: ۳۵)

یعنی تنها تو نیستی که با مخالفت و عداوت مردم مواجه هستی، بلکه

۱- ترجمه مجمع البیان، ج ۱۲، ص ۱۳۷.

۲- تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۵۷.

پیامبران بزرگ قبل از تو نیز دچار لجبازی و نافرمانی‌های مردم شده بودند و صبر کردند، حضرت نوح علیه السلام ۹۵۰ سال دعوت کرد ولی عده کمی به او ایمان آوردند. حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند، حضرت موسی را تهدید به مرگ کردند، حضرت عیسی را بعد از آزار فراوان، قصد کشتن او را داشتند که خداوند او را نجات داد. بنابراین، مشکلات در کار تبلیغ و ترویج فرهنگ دینی همیشه بوده و باید بر آن استقامت و صبر داشت. استقامت در کارها، پیروزی را نزدیک می‌کند و موجب گشایش می شود.

در حدیثی امام علی علیه السلام می‌فرماید:

عَلَیْکَ بِمَنْهَجِ الِاسْتَقامَه فَإِنَّهُ یُکْسِبُکَ الکرامه وَ یَکْفیکَ الْمَلامَهَ.(۱)

بر تود باد پایداری در راه راست، زیرا که این کار به تو کرامت می‌بخشد و سرزنش را از تو باز می‌دارد.

۷. عنصر زمان و مکان در کارهای فرهنگی اهمیت دارد

۷. عنصر زمان و مکان در کارهای فرهنگی اهمیت دارد

خداوند می‌فرماید:

قَالَ مَوْعِدُکُمْ یَوْمُ الزِّینَهِ وَأَنْ یُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًی؛ [موسی] گفت: موعد شما روز جشن باشد که مردم پیش از ظهر گرد می آیند. (طه: ۵۹)

بعد از آنکه فرعون معجزات حضرت موسی را دید و در او تأثیری نگذاشت، تصمیم گرفت با کمک ساحران به مبارزه با موسی علیه السلام برخیزد ازاین روو به حضرت موسی علیه السلام گفت: روزی را برای این مبارزه تعیین

۱- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۵۹۱.

کند و حضرت موسی علیه السلام گفت: میعاد ما و شما روز زینت (روز عید)، قبل از ظهر باشد. انتخاب این زمان به این دلیل بود که مردم در این روز کسب و کار را تعطیل و در مراسم شرکت می‌کردند. همچنین در آن هنگام از روز، هوا روشن بوده و همه چیز قابل مشاهده است.

بنابراین، انتخاب زمان و مکان برای کار فرهنگی اهمیت فراوان دارد و غفلت از این امر، می‌تواند اثرهای معکوس داشته باشد. گفتن حرف حق در زمان نامناسب یا مکان غیرمرتبط، نتیجه دلخواه را نخواهد داشت. رعایت این امر، نیاز به آگاهی و بصیرت دارد. خداوند وقتی می‌خواهد قرآن را نازل کند، می‌گوید: «اِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ؛ ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم.» و شب قدر وقتی است که از هزار ماه بهتر است. چرا خداوند قرآن را در شب دیگری نازل نکرد؟ معلوم می‌شود زمان نزول قرآن شب خاصی است تا مردم بیشتر به آن توجه کنند.

توجه به زمان و مکان در هر کاری مخصوصاً فرهنگی، اهمیت ویژه ای دارد. کسانی در کارها موفقند که بدانند در هر زمانی چه کاری را باید انجام دهند و این فرع آن است که شخص به موقعیت زمانی و مکانی خود آگاه باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اَلْعالِمُ بِزَمانِهِ لاتَهْجَمُ عَلَیْهِ اللّوابِسُ؛ کسی که زمان خود را بشناسد در آماج اشتباهات قرار نمی گیرد».(۱)

۸. مباحث فرهنگی باید آسان، روان، عوام فهم و خواص پسند باشد

۸. مباحث فرهنگی باید آسان، روان، عوام فهم و خواص پسند باشد

قرآن می‌فرماید:

وَلَقَدْ یَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّکْرِ... ؛ و قطعاً قرآن را برای پندآموزی

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۶.

آسان کرده ایم... . (قمر: ۱۷، ۳۲ و ۴۰)

این آیه ۴ بار در سوره قمر تکرار شده است و بر اینکه قرآن کتاب آسانی است دلالت دارد و هیچ گونه پیچیدگی ندارد، اندرزهایش روشن، دستوراتش روشن، تعبیراتش جذاب و شیرین و عباراتش خسته کننده و ملال‌آور نیست. بنابراین، فهمش برای مردم عادی آسان و برای خواص نیز دل چسب است.

همچنین خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «هذا بیانٌ لِلنَاس؛ این [قرآن] برای مردم بیانی است». (آل عمران: ۱۳۸) یعنی قرآن برای عموم مردم در هر زمان و مکانی روشنگر است و همه آن را می‌فهمند.(۱)

بنابراین، با توجه به اینکه قرآن کتابی فرهنگی است، پس هر کار فرهنگی باید از ویژگی بالا برخوردار باشد تا مردم آن را بپذیرند. سادگی در عین استواری، می‌تواند مخاطبان فراوانی را جذب کند و روش خوبی برای تبلیغات خواهد بود.

۹. مؤلفه‌های گفتمان فرهنگی هدایت: استدلال، موعظه و در مواردی مناظره

۹. مؤلفه‌های گفتمان فرهنگی هدایت: استدلال، موعظه و در مواردی مناظره

خداوند می‌فرماید:

ادْعُ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ ... ؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای. (نحل: ۱۲۵)

۱- ترجمه مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۶۴.

این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید با این سه روش مردم را به سوی دین خداوند دعوت کند؛ چون انسان‌ها از جهت روحی، فکری و شخصیتی تفاوت‌های زیادی با هم دارند، نمی توان با یک روش دعوت کرد؛ برخی مطیع برهان و استدلالند و برخی کشش استدلال را ندارند و با موعظه حسنه هدایت می‌شوند. با برخی نیز باید جدال احسن کرد. به عبارتی دیگر، خواص را باید با حکمت و استدلال، عوام را با موعظه نیکو و مخالفان را با جدال نیکوتر ارشاد کرد.(۱)

مراد از حکمت، استدلالی است که حق را نتیجه دهد که هیچ شک و ابهامی در آن نماند و موعظه عبارت است از: بیانی که نفس شنونده را نرم و قلبش را به رقت درآورد و جدال عبارت است از: دلیلی که فقط برای منصرف نمودن دشمنان و مخالفان از آنچه که بر سر آن نزاع می کنند به کار می‌رود.(۲)

بنابراین، در حرکت فرهنگی، به صورت شفاهی یا مکتوب، باید هر سه شیوه را با توجه به اختلاف مخاطبان به کار برد. استفاده نابه جای هر یک از اینها به جای دیگری نتیجه دلخواه را نخواهد داشت.

۱۰. غرض از کار فرهنگی باید نجات مردم از تاریکی ها به سوی نور باشد

۱۰. غرض از کار فرهنگی باید نجات مردم از تاریکی ها به سوی نور باشد

خداوند می‌فرماید:

... كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ... ؛ کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن

۱- تفسیر نور، ج ۶، ص ۴۷۴.

۲- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۵۳۴.

پروردگارشان از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون آوری... . (ابراهیم: ۱)

خداونـد در این آیه اشـاره می‌کنـد که قرآن که کتـابی فرهنگی است، نـازل شـده است تـا مردم را از ظلمت جهـل، خرافات و گمراهی، به سوی نور، روشـنایی و فلاـح هـدایت کنـد و این هـدف و غـایت اعزام انبیـا و ادیان الهی است. امیر بیان علی علیه السلام نیز در مورد رسالت قرآن می‌فرماید:

اِعْلَمُوا اَنَّ هَذا القرآنَ هُوَ النّاصِحُ الذی لایَغُشُّ وَ الْهادی الذّی لایُضِلُّ وَ الْمُحَدِّثُ الذی لایَکذِبُ.

بدانیـد که این قرآن همان مشاوری است که خیانت نمی‌کنـد و راهنمایی است که گمراه نمی‌گردانـد و سـخن‌گویی است که دروغ نمی‌گوید.(۱)

بنـابراین، وقتی که شأن قرآن [که کتابی فرهنگی است] این گونه باشـد، پس همه کارهای فرهنگی بایـد با این هـدف و انگیزه انجام شود و هر هدف دیگری غیر از رسیدن به روشنایی، هدف مطلوب نخواهد بود.

۱۱. در کار فرهنگی باید سطح مخاطب را در نظر گرفت

۱۱. در کار فرهنگی باید سطح مخاطب را در نظر گرفت

خداوند می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْـيَاءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ ...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی مپرسید که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می کند... . (مائده: ۱۰۱)

اگرچه سؤال کردن کلید فهم حقایق است و در روایات نیز به

۱- میزان الحکمه، ج ۱۲، ص ۵۹۶.

مسلمانان دستور اکید داده شده است که هر چه را نمی‌دانند بپرسند، ولی از آنجا که هر قانونی استثناء دارد، اساس تعلیم و تربیت نیز استثنایی دارد و اینکه گاهی پنهان بودن پاره‌ای از مسائل برای حفظ نظام اجتماع و تأمین مصالح افراد و خانواده‌ها بهتر است. در این گونه موارد اطلاع رسانی و یا جست وجو کردن از واقعیت نه تنها فضیلتی ندارد، بلکه مذموم و ناپسند نیز است.(۱)

گاهی اوقات نیز افراد به جهت شرایط روحی و روانی و ظرفیت پذیرش حقایق، آمادگی کسب برخی حقایق و واقعیت‌ها را ندارند و ممکن است اثر معکوس در آنها داشته باشد. بنابراین باید مطالب فرهنگی، درجه بندی و سطح بندی شود و به هر مخاطبی با توجه به شرایطی که دارد مطالب بیان شود. بر همین اساس، در آیه فوق به مؤمنان دستور داده است از اموری سؤال نکنند که اگر بر ایشان روشن شود سبب اندوهناکی آنها می‌شود و فقط منتظر کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و وحی الهی باشند تا آنچه که به مصلحت آنهاست، بیان شود.

همانند بیشتر پزشکان که بیماری‌های سخت را از بیماران پنهان می کنند و تنها به اطرافیان آنها می گویند؛ زیرا تجربه نشان داده است اطلاع از بیماری، گاهی سبب وحشت بیمار و وخیم‌تر شدن بیماری او می‌شود.

در شأن نزول این آیه آمده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم خطبه خواند و فرمود: «ایها الناس، خداوند حج را بر شما واجب کرده. یکی از صحابه سؤال کرد یا رسول الله، آیا همه ساله بر ما واجب است؟

۱- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۹۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر بگویم همه ساله واجب شده است و شما انجام ندهید، گمراه خواهید شد. پس چیزی که از من صادر نشده شما به زبان نیاورید».(۱)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز در مورد توجه به اختلاف فهم و درجات ایمانی مردم در بیان مسائل می‌فرماید:

اِنّا معاشِرُ الانبیا اُمِرْنا اَنْ نُکَلِّمَ علی قَدْرِ عُقولِهِمْ.(۲)

ما گروه پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقل و خرد آنها سخن بگوییم.

بنابراین، در همه مسائل فرهنگی باید به ظرفیت مخاطبان توجه کرد و مخاطب شناسی را جزو کارهای ضروری و مقدماتی قرار داد. نمی‌توان در جایی کاری انجام داد بدون اینکه از مخاطبان اطلاعات کافی وجود داشته باشد. این کار همانند این است که پزشک بدون اطلاع از وضع بیمار خود، برای او دارویی را تجویز کند.

در روایتی امام زین العابدین، درباره اختلاف ظرفیتی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

وَ الله، لَوْ عَلِمَ اَبُوذر ما فِی قَلْبِ سَلْمان لَقَتَلَهُ وَ لَقَدْ اَخی رسول الله صلی الله علیه و آله بَیْنَهُما.

به خدا سوگند، اگر ابوذر می‌دانست آنچه را که در قلب سلمان است هر آینه او را می‌کشت. در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله بین آن دو عقد برادری بست.

بنابراین، سلمان و ابوذر از اصحاب پیامبر بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله آن دو را

۱- ترجمه المیزان، ج ۶، ص ۲۲۵.

۲- کافی، ج ۱، ص ۵۱.

برادر ایمانی اعلام کرد اما ظرفیت و تحمل آنها برای درک حقایق متفاوت بود. بنابراین، پیامبر به سلمان چیزی را آموختند که ابوذر قدرت درک و تحمل آن را نداشت.

۱۲. کار فرهنگی را باید از خانواده و نزدیکان شروع کرد

۱۲. کار فرهنگی را باید از خانواده و نزدیکان شروع کرد

خداوند می‌فرماید:

وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ و خویشان نزدیکت را هشدار ده. (شعرا: ۲۱۴)

بر اساس آنچه که در کتب تاریخ آمده است، با نزول آیه بالا، پیامبر مأمور شد دعوتش را آشکار کند؛ زیرا تا قبل از آن، دعوت مخفیانه بود و عده کمی، اسلام را پذیرفته بودند. بر اساس آیه فوق باید دعوت را از خویشاوندان خودش شروع کند.

همچنین در سوره تحریم آیه ۶، خداوند می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ هاست حفظ کنید... . (تحریم: ۶)

همچنین در روایات معصومان علیهم السلام بر ارشاد و هدایت خانواده نیز تأکید شده است. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: عَلِّموا اَنْفُسَكُمْ وَ اَهْليكُمْ الْخَير وَ اَدِبُّوهم؛ خود و خانواده خویش را نیکی بیاموزید و آنها را ادب کنید».(۱)

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۹۴.

بنابراین، از آیات و روایات بالا به دست می‌آید که برای داشتن جامعه‌ای بافرهنگ و مؤدب به آداب و فرهنگ دینی، باید از خانواده و خویشاوندان آغاز کرد؛ زیرا اجتماع از واحدهای کوچک تری به نام خانواده شروع می‌شود و وقتی خانواده‌ها اصلاح شدند و کار فرهنگی روی آنها انجام گرفت، خود به خود اجتماع نیز تربیت می‌شود.

از سوی دیگر، شروع یک حرکت فرهنگی از خانواده و آشنایان راحت‌تر انجام می‌پذیرد، زیرا هم سوابق پاکی را بهتر می‌شناسند و هم محبت خانوادگی که بین افراد وجود دارد سبب می‌شود که به کلام او بهتر توجه کنند و از کینه ها و دشمنی به دور باشند.

بر این اساس، همه کسانی که مایلند کار فرهنگی انجام دهد باید اول از خود و سپس خانواده و آنگاه خویشان شروع کنند و در نهایت در جامعه این کار را ادامه دهند.

۱۳. پذیرایی و میهمانی هموارکننده کار فرهنگی

۱۳. پذیرایی و میهمانی هموارکننده کار فرهنگی

بعد از آنکه آیه «وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و او را به دعوت علنی تشویق کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا از قوم و عشیره خود شروع کرد. ایشان بنابر آنچه که در کتب معتبر آمده برای این کار، خویشان خود را به صرف غذا دعوت کرد و برای این کار، طعامی را تهیه دید. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از اطعام آنها، درخواست خود را بیان کرد و آنها را به پذیرش اسلام دعوت کرد. این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می‌دهد که گاهی لازم است برای انجام کار فرهنگی، کارهایی زمینه ای انجام داد از جمله می‌توان به پذیرایی و دعوت به میهمانی اشاره کرد. این کار از جهت روان شناسی بسیار سنجیده است؛ زیرا افرادی که دعوت به میهمانی می

شونـد، دل‌هایشـان نرم می‌شود و می کوشـند حرمت صـاحب خـانه را حفـظ کننـد. ازاین رو، سـخن صـاحب‌خانه را بهتر قبول می‌کنند و با او مخالفت جدی نمی‌کنند. بنابراین، متولیان فرهنگی باید از این ابزار به خوبی اسـتفاده کنند و کلام و منطق خود را در فضایی بگویند که مخاطب را برنینگیزد.

۱۴. کار فرهنگی باید مداوم و بی وقفه و متنوع باشد

۱۴. کار فرهنگی باید مداوم و بی وقفه و متنوع باشد

خداوند می‌فرماید:

وَلَقَـدْ وَصَّلْنَا لَهُمْ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ؛ به راستی، این گفتار [قرآن] را برای آنان پی در پی و به هم پیوسـته نازل ساختیم، امید که آنان پند پذیرند. (قصص: ۵۱)

خداوند در این آیه به این نکته اشاره دارد که مردم برای اینکه پند بگیرند و از شرک دست بردارند، قرآن را پیوسته و بی‌وقفه در شـکل‌های متنوع و کیفیت‌های گوناگون، گاهی با وعـده پاداش، گاهی وعیـد دوزخ، گاه نصیحت و انـدرز، گاه تهدید و انـذار، گـاه اسـتدلالات عقلی و گـاه بـا تاریـخ عبرت انگیز و پربـار گذشـتگان بر مردم نـازل کردیم تـا آنان را به خود جـذب کنند.(۱)

از سوی دیگر عقایـد، آداب و رسوم و خلقیات و به طور کلی فرهنگ، یک شـبه نه به وجود می‌آیـد و نه تغییر می کنـد، بلکه در طول زمان شکل گرفته است و اگر بخواهیم آن را تغییر دهیم و اصلاح کنیم باید در فرآیندی منسجم انجام پذیرد. بنابراین، باید برنامه‌های فرهنگی

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۰۸.

هم دوام و هم تنوع داشته باشد و در یک قالب و ریخت ارائه نشود. چنان‌که انبیا سالیان درازی به امر ارشاد و راهنمایی می‌پرداختند و برای ادامه کار، جانشینانی برای خود تعیین می‌کردند تا حرکت تداوم داشته باشد. حضرت نوح ۹۵۰ سال به امر تبلیغ و تربیت مردم همت گماشت. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ۲۳ سال مردم را راهنمایی کرد و بعد از او جانشینانش در طول ۲۵۰ سال این کار را ادامه دادند تا اینکه فرهنگ اسلام در جهان به بار نشست و دین اسلام در دنیا گسترش یافت.

بنابراین، برای تغییر یک فرهنگ یا تثبیت آن باید برنامه‌ای بلندمدت داشت و هیچ‌گاه از آن غفلت نکرد. ازاین رو، اختصاص یک سال به نام فرهنگ به معنی تعیین مدت برای آن نیست، زیرا با روح مسائل فرهنگی در تعارض است، بلکه به معنی آغاز یک کار بزرگ و جلب توجه همه جانبه به آن است.

۱۵. کار فرهنگی باید تدریجی و از روی نظم و برنامه باشد

۱۵. کار فرهنگی باید تدریجی و از روی نظم و برنامه باشد

خداوند می‌فرماید:

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا؛ و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی به مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم. (اسرا: ۱۰۶)

خداوند در این آیه می‌فرماید: قرآن را بخش بخش و به تدریج در طول ۲۳ نازل کردیم تا اینکه آن را به آرامی بر مردم بخوانی و نتیجه اصلی آن که عمل به قرآن است، تحقق یابد؛ زیرا تغییر فرهنگ و اصلاح جامعه یک شبه امکان پذیر نیست و باید به تدریج احکام صادر شود و

کم کم مردم را با حقایق آشنا کرد.

این نزول تـدریجی، مسـتلزم امر دیگری نیز است و آن وجـود نظم و سازمـان دهی در خـود قرآن است؛ زیرا اگر نظم در قرآن نباشد، ممکن است کلام بعد، کلام قبل را نقض کند یا اینکه به علت طول کشـیدن نزول، صـحبت‌ها با همدیگر منافات داشته باشـند. بنابراین، لازمه امر تدریجی، نظم و سازمان دهی است چنان که خداوند در آیه دیگری در مورد قرآن می فرماید: «... وَ رَتَّلْناهُ تَرْتِیلًا؛ و آن را به آرامی بر تو خواندیم». (فرقان: ۳۲)

در کتـاب تفسـیر نمونه ترتیل را این طور معنی کرده است: «پی در پی آوردن سـخنان یا آیات روی نظم و حساب.» و در ادامه می گوید:

«بنابراین، جمله و رتلناه ترتیلا» اشاره به این واقعیت است که آیات قرآن تـدریجی و در مـدت **۲۳** نازل شده است اما این نزول تدریجی، روی نظم و حساب و برنامه‌ای بوده به گونه ای که در افکار، رسوخ کند و دل‌ها را مجذوب کند».[(۱)]

بنـابراین، کارهـای فرهنگی نیز بایـد روی نظم و برنـامه‌ریزی انجـام شود و از هرگونه تصـمیم و برنـامه مقطعی پرهیز کرد. باید برنـامه بلندمـدت از سوی مراجعی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی تـدوین شود. چطور برای اقتصاد برنامه‌های بلندمـدت ریخته می‌شود امـا فرهنـگ که اهمیت دو چنـدان دارد، برنامه‌ای نداشـته و هر کس که از راه رسـد، اجازه یابـد طرحی را اجرا نمایـد؟! تـا چه زمانی بایـد منفعلانه نسـبت به تهاجم فرهنگی بیگانگان عمل کنیم و هیـچ راهبرد و سـیاست بلندمـدتی نداشـته باشیم؟!

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۸۴.

۱۶. توجه به مسائل مادی مردم زمینه ساز کار فرهنگی است

۱۶. توجه به مسائل مادی مردم زمینه ساز کار فرهنگی است

خداوند می فرماید:

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَـٰذَا الْبَيْتِ، الَّذِی أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ؛ پس باید خداوندِ این خانه را بپرستند، همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد، و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد. (قریش: ۳ و ۴)

قبیله قریش از راه تجارت و دادوستد به شام و یمن و همچنین از طریق مسافرت دیگر قبایل به مکه، برای زیارت کعبه امرار معاش می کردند و زندگی را می گذراندند. حمله ابرهه با سپاهیان فیل سوارش، این معیشت و آرامش و امنیت را در معرض فروپاشی قرار داد، ولی خداوند با کمک پرندگان، آنها را نابود کرد و تجارت و امنیت را به قریش و مردم مکه بازگرداند. ازاین رو، خداوند در این آیه دستور می دهد که باید پروردگار خانه خدا (کعبه) را بپرستند به جهت آنکه او بود که آنها را از گرسنگی نجات داد و غذایشان داد و آنان را از شر دشمنان خلاص کرد و امنیتشان داد.(۱)

از این آیه استفاده می شود که برای کار فرهنگی، تأمین نیازهای مادی نیز لازم است. نمی شود بدون در نظر گرفتن وضعیت و مشکلات مادی، کار فرهنگی انجام داد و توقع داشت که مردم دیدگاه های ما را بپذیرند.

همچنین خداوند در آیه دیگری می فرماید: «وَإِذْ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ...؛ و هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد، گفتیم: «با عصایت بر آن تخته سنگ بزن.» (بقره: ۶۰)

۱- ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۶۳۱؛ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۵۳.

این آیه به سرگردانی قوم بنی اسراییل اشاره داد که در صحرای گرم تیه که تشنه بودند و در آنجا حضرت موسی علیه السلام از خداوند برای آنها طلب آب نمود و خداوند دستور داد به او که با عصایت به سنگ بزن و او نیز به سنگ زد و در نتیجه دوازده چشمه به عدد دوازده سبط بنی اسراییل بیرون آمد یعنی برای هر سبطی یک چشمه.

از این آیه نیز به دست می آید که انبیا در فکر تأمین نیازهای مادی مردم نیز بودند. اگرچه هدف اصلی آنها هدایت و ارشاد و نجات آنها از شرک و بت پرستی بوده، توجه به مسائل مادی زمینه ساز اهداف اصلی آنها بوده است.

در این مورد روایاتی داریم که اگر فشارهای اقتصادی فزونی یابد ممکن است در برخی افراد ضعیف الایمان به کفر و نفی ایمان بینجامد. در روایتی امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

کادَ الْفَقْرُ اَن یکون کُفراً.(۱)

نزدیک است که فقر به کفر منجر شود.

البته این مسئله (وابستگی مسائل فرهنگی به حل مسائل مادی) در همه جا صادق نیست. افرادی هستند که برای ایمان و دین خود از جان می گذرند و در بدترین شرایط اقتصادی و مالی حاضر نیستند سرمایه دینی خود را از دست بدهند ولی همه مردم یک جور نیستند و باید کل جامعه را در نظر گرفت. بنابراین، مسئولان فرهنگی نمی توانند بگویند ما مسئول مسائل فرهنگ مردم هستیم و کاری با زندگی مالی آنها و مشکلات معیشتی و دنیوی آنها نداریم. اینکه مجریان و مسئولان رفاه و

۱- کافی، ج ۳، ص ۷۴۸.

معیشت مردم نیز نمی تواننـد به مطالبـات و توقعـات دینی شـهروندان بی اعتنـایی باشـند و هنجارشـکنان را که از مزایای جامعه اسـلامی بهره می برند، ولی نسـبت به وظایف فرهنگی و انضـباط دینی مسـئولیت پذیر نیسـتند به حال خود رها نمایند. مجریان موظفند مخدومان خود را مجاب سازند که رسالت حاکمان مسـلمان را تأمین نمایند؛ زیرا همه اینها زمینه و مقدمه آن است که انسـان هـا به عـدالت قیـام نماینـد و از بنـدگی خود و اهریمنـان رهـایی یابنـد و از چـاه طبیعت و مادیات رسـته و در بیکرانگی معنویات و پاکی ها به سوی خداونـد پرواز نماینـد و همه این مقولات فرهنگی است. بنابراین، مردم و دولت همه باید اهتمام و تعهد فرهنگی خود را مبذول نمایند. به هر حال باید دانست که جسم و جان به هم تنیده و مرتبط هستند.

۱۷. تجلیل بزرگان: اقدامی فرهنگی

۱۷. تجلیل بزرگان: اقدامی فرهنگی

خداوند می فرماید:

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ؛ و در این کتاب از ابراهیم یاد کن. (مریم: ۴۱)

یا

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيم؛ و در این کتاب از مریم یاد کن. (مریم: ۱۶)

خداونـد در آیـات متعـدد به مناسـبت از بزرگـان دین و توحیـد یـاد می کنـد. این یـادآوری زنـده کردن ارزش های معنوی و اخلاقی و همچنین معرفی الگو و سـرمشق برای کسانی است که در جست وجوی اسوه می باشـند. در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره تجلیل از بزرگان می فرماید:

إنَّ من تعظیم جَلالـل اللهِ عزوجـل کرامَهَ ذِی الشَّیْبهِ و حامِـلُ القرآنِ الإمـامُ العـادِل؛ احترام نهـادن به ریش سـفید و حافظ قرآن و پیشوای دادگر گونه ای بزرگداشت جلال و شکوه خداوند عزوجل است.(۱)

در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله ارج نهادن به این گروه را ارج نهادن به خداوند می داند. بنابراین، تکریم و نکوداشت بزرگان علم و فرهنگ و دین در واقع تجلیل از آرمان هایی است که این افراد برای آن تلاش کرده اند.

۱۸. به کارگیری همه ابزارها و فرصت ها در امور فرهنگی

۱۸. به کارگیری همه ابزارها و فرصت ها در امور فرهنگی

خداوند می فرماید:

إِنْ أُرِیدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ؛ من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم ندارم. (هود: ۸۸)

خداونـد در این آیه به نقـل از حضـرت شـعیب علیه السـلام که قوم خود را خطاب قرار داده بود، می فرمایـد: «من قصـدی جز اصـلاح جامعه و جلوگیری از انحرافات نـدارم تا آنجا که توانایی داشـته باشم»: این به این معناست که تمام فکر و ذکر انبیا در همه حالاـت برای اصـلاح جامعه بود و از تمام امکانات و ابزارها برای این کار بهره می برنـد. آیه دیگری به نقل از حضـرت نوح در تأیید مطلب فوق آمده است:

قَالَ رَبِّ إِنِّی دَعَوْتُ قَوْمِی لَیْلًا وَنَهَارًا؛ [نوح] گفت: ای پروردگار من، من قوم خود را شب و روز دعوت کردم.

۱- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۴۴۳.

در این آیه نیز حضرت نـوح علیه السـلام به خداونـد عرض می کنـد که من قوم خود را شب و روز دعوت کردم. در واقع این آیه می فرمایـد: برای ارشاد و هـدایت نبایـد بر ابزارهای متعارف و فرصت های محـدود متمرکز شـد و همه امکانات را باید به کار گرفت.

بنابراین، متولیان فرهنگی نیز باید این شـیوه را مد نظر داشـته باشند و خود را تابع مقررات محدود اداری ندانند. در هر جا و هر مکـان و بـا هر ابزاری که شـرعاً مجـاز باشـد بایـد کـار فرهنگی انجام داد و جامعه را اصـلاح کرد. متولی فرهنگی اگر خود را کارمنـد به حساب آورد و فقط در ساعات کاری اداری احساس مسـئولیت کند راه به جایی نخواهد برد. چنان که رهبر انقلاب در نام گذاری سال ۱۳۹۳ به نام سال اقتصاد و فرهنگ از دو مؤلفه دیگر نیز نام برده است که یکی عزم ملی و دیگری مدیریت جهـادی است. مـدیریت جهـادی اشاره به راه کار فوق است؛ یعنی در کار فرهنگی و اقتصادی بایـد جهادی و خسـتگی ناپـذیر عمل کرد و منتظر زمان و مکان و بودجه ایدئال نماند. همچنانکه یک جهادگر در صحنه مبارزه شب و روز در خدمت جهاد و مبارزه است و محدودیتی برایش وجود ندارد.

۱۹. از غلو و افراط در کارهای فرهنگی باید پرهیز کرد

۱۹. از غلو و افراط در کارهای فرهنگی باید پرهیز کرد

خداوند می فرماید:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ؛ ای اهل کتاب، در دین خود غلّو نکنید و درباره خدا جز [سـخن] درست مگویید. (نساء: ۱۷۱)

در این آیه، خداوند اهل کتاب را از غلو در دین نهی می کند؛ زیرا

غلو به معنی نشان دادن چهره غیر واقعی از دین است و در واقع نسبت دادن چیزهایی به خداوند است که واقعیت ندارند. همان طور که تفریط و کم نمایی از دین جایز و سزاوار نیست، افراط در آن هم شایسته نخواهد بود. آنچه نجات بخش و حیات آفرین است چهره واقعی دین است نه آنچه که ساخته افکار بشر است. در امور فرهنگی نیز نباید اغراق و افراط داشت؛ یعنی در پروراندن یک سوژه فرهنگی نباید به شگردهای تبلیغاتی و تجارتی توسل جست و با بزرگ نمایی های بی منطق به دنبال جا انداختن آن بود؛ زیرا این شیوه ها اثر معکوس داشته و باعث انزجار مخاطب خواهد شد.

۲۰. استقلال فرهنگی باید حفظ شود

۲۰. استقلال فرهنگی باید حفظ شود

خداوند می فرماید:

وَلَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکَافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا؛ و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. (نساء: ۱۴۱)

بر اساس آیه بالا- خداوند هیچ راه تسلطی را برای کافران به زیان مؤمنان قرار نداده است؛ نه از نظر نظامی نه سیاسی، نه اقتصادی، نه فرهنگی و نه هیچ راه دیگری. اگر در جامعه خلاف این اتفاق افتاده و مسلمانان در همه زمینه ها و جهات تحت سیطره بیگانگان و کفار قرار دارند به جهت این است که مسلمانان راه و رسم ایمان و وظایف و مسئولیت های خویش را به کلی فراموش کرده اند، نه خبری از اتحاد و اخوت اسلامی در میان است و نه به معنی واقعی کلمه جهاد انجام می دهند و نه علم و آگاهی ای دارند که اسلام آن را از لحظه تولد تا مرگ

بر همه لازم شمرده است.(۱)

علاوه بر این آیه روایات هم بر استقلال مسلمانان و زیر بار کفار نرفتن نیز تأکید کرده اند. چنانکه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می فرماید: «اَلْاِسلامُ یَعْلُو و لا یُعْلی علیه؛ اسلام برتری می گیرد و چیزی بر آن برتری نمی گیرد».(۲)

همچنین برای نشان دادن استقلال فرهنگی می توان به جریان تغییر قبله در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرد. در آن زمان یهودیان مسلمانان را که به سوی بیت المقدس نماز می خواندند تحقیر و تمسخر می کردند؛ که شما دین و فرهنگ مستقل ندارید و به سوی قبله ما عبادت می کنید. خداوند با بیان آیات ۱۴۴ سوره بقره به پیامبرش راه هرگونه سلطه یهودیان بر مسلمانان را بست.

بنابراین، اگر کشور ما مسلم هستیم و انقلاب اسلامی انجام داده ایم و می خواهیم احکام و ارزش های اسلامی در آن حاکم باشد، باید استقلال را در همه جهات به ویژه استقلال فرهنگی را رعایت کنیم؛ زیرا اگر فرهنگ کشوری در سیطره بیگانگان قرار گیرد، دیگر ابعاد اجتماعی نیز از هجوم آنها در امان نخواهند ماند. یکی از دلایلی که رهبر انقلاب، سال ۹۳ را به سال اقتصاد و فرهنگ نام گذاری کردند، رخنه هایی بوده است که از سوی بیگانگان عوامل داخلی آن، در فرهنگ ما صورت گرفته است و هر روز به نام اسلام و هنر و فرهنگ، نمادهای غربی را در کشور رواج می دهند و ذائقه مردم را به نفع بیگانگان تغییر می دهند. (نیاز به توضیح ندارد که) تبادل فرهنگی بین ملت ها منعی ندارد و بلکه امری اجتناب ناپذیر و حتی گاه پسندیده است، اما مجذوب و مقهور فرهنگ

۱- تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۷۶.

۲- نهج الفصاحه، ص ۳۶۷.

بیگانگان، و فراموشی فرهنگ خود چیزی جز تسلط فرهنگ بیگانگان نیست. (باید پذیرفت که حفظ این استقلال امروزه با در هم نوردیده شدن مرزها و وجود وسایل ارتباط جمعی سریعی چون ماهواره و اینترنت (فضای سایت)های مجازی کاری بس دشوار شده است، اما محال نیست. باید سعی و تلاش را دو چندان کرد و مدیریت دلسوز و جهادی را به کار گماشت تا از آسیب ها کاسته شود.

۲۱. در کارهای فرهنگی باید مشورت کرد

۲۱. در کارهای فرهنگی باید مشورت کرد

خداوند می فرماید:

وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ؛ و در کار[ها] با آنها مشورت کن. (آل عمران: ۱۵۹)

خداوند در این آیه به پیامبرش دستور می دهد که در کارها با مردم و اصحابت مشورت کن. البته مشورت تنها در چگونگی اجرای احکام بوده است نه قانون گذاری. زیرا پیامبر هیچ گاه در قانون گذاری با کسی مشورت نمی کرد و تابع وحی الهی بود.

پیامبر صلی الله علیه و آله خود سرآمد همه مردم از جهت عقل و اندیشه بود اما خداوند با این دستور خواسته است اهمیت مشورت و مشاوره را به مردم یادآوری کند؛ زیرا انسان با مشورت کردن، از فکر دیگران استفاده می کند و از استبداد و خودرأیی پرهیز می کند. مشورت موجب پرورش فکر و استعدادها (و پرورش شخصیت است و شخصیت نهادن به) مردم است. در روایات نیز بر این صفت نیکو تأکید شده است.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهِمْ؛

هر که مستبد به رأی شد به هلاکت رسید و هر که با مردم مشورت کرد خود را شریک عقل آنان نمود.(۱)

بنابراین، در همه کارها از جمله در مسائل فرهنگی که پیچیدگی ها و حساسیت های خاص خود را دارد باید با متخصصان و آگاهان به امور مشورت کرد.

هر طرح و برنامه ای که بخواهد در سطح جامعه اجرا شود، آن قدر نقد و بررسی و مداقّه از سوی صاحب نظران بشود که در مرحله اجرا کمترین اثر منفی را هم نداشته باشد. بنابراین، باید علاوه بر مشورت، در انتخاب افراد مورد مشاوره نیز دقت و وسواس داشت و جنبه های مختلف آن را بررسی کرد تا کمترین بار منفی داشته باشد.

۲۲. اصلاحات فرهنگی باید با آزادی و انتخاب آگاهانه مردم باشد

۲۲. اصلاحات فرهنگی باید با آزادی و انتخاب آگاهانه مردم باشد

خداوند می فرماید:

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُسَيْطِرٍ؛ پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده ای. بر آنان تسلطی نداری. (غاشیه: ۲۱ و ۲۲)

خداوند در این آیه می فرماید: آفرینش آسمان و زمین و کوه ها نشان می دهد که این عالم بی حساب نیست و آفرینش انسان نیز هدفی داشته است، اکنون که چنین است آنها را با یادآوری های خویش به اهداف خلقت آشنا ساز و راه قرب خدا را به آنها نشان ده، و در مسیر تکامل، رهبر و راهنمایشان باش. البته راه کمال در صورتی پیموده می شود که با میل اراده و اختیار همراه باشد وگرنه تکامل اجباری، سخنی بی مفهوم

۱- نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۵۰۰.

است. تو هرگز نمی توانی آنها را مجبور سازی و اگر هم می توانستی فایده ای نداشت.(۱)

همچنین در آیه دیگری خداوند می فرماید:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنْ الغَيِّ؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه به خوبی آشکار شده است. (بقره: ۲۵۶)

در این آیه نیز خدا اِجْبار و اکراه را از دین نفی کرده است؛ زیرا دین عبارت است از سلسله معارف علمی که اساس آن ایمان و اعتقاد است که از امور قلبی است و امور قلبی نیز اجباربردار نیست.

به علاوه اینکه اجبار و اکراه، وقتی مورد نیاز است که شخص مافوق نتواند فلسفه کاری را که می خواهد انجام دهد به زیر دست خود بفهماند، ازاین رو، ناگزیر متوسل به اکراه می شود، اما امور مهمی که خوبی و بدی آن واضح است و حتی آثار سوء و خیری که به دنبال دارند معلوم است در چنین جایی نیازی به اکراه نیست، بلکه انسان یکی از دو طرف خیر یا شر را انتخاب کرده و عاقبت آن را هم می پذیرد و دین از این قبیل امور است؛ چون حقایق آن، روشن و راه آن با بیانات الهیه واضح است. بنابراین، دلیل ندارد که کسی را بر دین اکراه کنند.(۲)

امور فرهنگی و اصلاحات آن مانند دین، از امور قلبی و جوانحی است. بنابراین، قابل اجبار و اکراه نیست و مردم باید آن را آزادانه قبول کنند. اگر مسائل فرهنگی به خوبی تشریح شود و مزایای آن برای مردم گفته شود، مردم آن را انتخاب می کنند و از آن استقبال و دفاع نیز

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۴۳۳.

۲- ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۵۲۴.

می کنند. این موضوع حتی در ردّ فرهنگ های بیگانه و وارداتی نیز صادق است. اگر معایب آنها و عوارضی را که خود، خانواده و جوانانمان را هدف گرفته اند، بیان کنیم و نقشه های شومی که استعمار و صهیونیزم برای تهی کردنی مردم از فرهنگ ملی ــ اسلامی کشیده اند، بیان شود و مردم آن را لمس کنند، خود به سوی طرد این فرهنگ وارداتی می روند و دست به انتخاب احسن می زنند. بنابراین، در بُعد فرهنگی نباید از زور و اجبار استفاده کرد، مگر در مواردی که کسانی از روی عمد می کوشند دیگران را منحرف کنند. و با وجود علم به معایب کار، برای رسیدن به مطامع دنیوی، اقدام به گمراه کردن مردم می کنند که در اینجا دخالت نیروهای قهریه بایسته است.

۲۳. در کارهای فرهنگی باید به ادبیات مخاطبان آشنا بود

۲۳. در کارهای فرهنگی باید به ادبیات مخاطبان آشنا بود

خداوند می فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ؛ و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا [حقایق را] برای آنان بیان کند. (ابراهیم: ۴)

خداوند در این آیه می فرماید ما هیچ پیامبری را به سوی ملتی نفرستادیم مگر اینکه به زبان قومش آشنایی داشته و بتواند مطالب و حقایق را به مردم بفهماند. بدیهی است منظور از «لسان قوم» صِرف لغت و زبان مردم نیست؛ زیرا گاهی ممکن است گوینده ای با زبان مردم سخن بگوید، ولی مردم حرف او را درست نفهمند، بلکه مراد آسان و قابل فهم

گفتن است به گونه ای که مردم پیام الهی را بفهمند.[(۱)]

چنانکه حضرت موسی علیه السلام وقتی مأموریت می یابد تا به مبارزه با فرعون بپردازد از خداوند می خواهد که:

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِی، یَفْقَهُوا قَوْلِی؛ گره از زبان من بگشای تا گفتار مرا بفهمند. (طه: ۲۷ و ۲۸)

یعنی افزون بر شرح صدر، می خواهد که قدرت تفهیم و بیان به او بدهد؛ زیرا شرح صدر سرمایه بزرگی است، ولی کارسازی آن در صورتی است که قدرت ارائه و اظهار به صورت کامل وجود داشته باشد. به همین دلیل حضرت موسی علیه السلام بعد از تقاضای شرح صدر و برطرف کردن موانع، از خداوند خواست گره از کارش بردارد و علت تا هر شنونده ای منظور او را به خوبی درک کند.

علاوه بر اینکه حضرت موسی در این آیه درخواست می کند گره از بیانش باز شود در سوره دیگر درخواست می کند که برادرش هارون را به همراه او بفرستد؛ زیرا که او زبانی فصیح تر و رساتر دارد. آنجا که می فرماید: «وَأَخِی هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّی لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِی رِدْءًا؛ و برادرم هارون از من زبان آورتر است. پس او را با من به دستیاری گسیل دار». (قصص: ۳۴)

بنابراین، آشنایی با زبان مردم چه در گفتار و چه نوشتار و چه در فیلم و هنرهای دیگر در حدی که بتواند مقصود و مطلب را رساتر و آشکارتر همراه با فصاحت و بلاغت به فهم مردم برسد از لوازم و ابزار مهم کار فرهنگی است و بدون آن، کار ناقص است. اگر شما بهترین

۱- تفسیر نور، ج ۶، ص ۲۵۹.

مطلب را داشته باشید اما نتواند به خوبی آن را به مردم تفهیم کنید و مردم آن را به راحتی متوجه نشوند، کار با شکست مواجه خواهد شد.

دیگر آن که ـ همان گونه که آیات متعددی از قرآن کریم دلالت دارد، پیامبران علاوه بر آنکه با ادبیات قوم خود آشنا بودند، چون از جنس خود آن مردمان بودند و از میانه آنان برخاسته بودند، کاملاً با روحیات، فضا و شرایط حاکم نیز آگاه بودند و این نیز یکی از رموز پیشرفت آنان است. با همین استدلال، فعالیت های فرهنگی باید توسط کسانی نقش بندد که از نمط گروه مخاطب بوده و به لایه های درونی تفکر آن جامعه وقوف داشته باشند.

۲۴. خنده و گریه از ابزارهای مجاز کار فرهنگی است

۲۴. خنده و گریه از ابزارهای مجاز کار فرهنگی است

خداوند می فرماید:

هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى؛ و هم اوست که می خنداند و می گریاند. (نجم: ۴۳)

این آیه و آیات بعدش، مواردی از منتهی شدن خلقت و تدبیر به خدای سبحان را بر می شمرد و می فهماند که ربوبیت، در خدا منحصر است و شریکی برای او در ربوبیت نیست. البته این انحصار منافات با وساطت اسباب طبیعی و یا غیر طبیعی در آن امور ندارد. مانند واسطه بودن مسرت و اندوه درونی و اعضایی که این مسرت و اندوه را نشان می دهد تحقق خنده و گریه.

بنابراین، معنای آیه این است که خدای تعالی کسی است که خنده را در شخص خندان و گریه را در شخص گریان ایجاد کرده و کسی در آن

شریک خدا نیست.(۱)

پس خنده و گریه ابزارهای مجاز در کارهای فرهنگی است. گاهی باید مردم را خنداند و گاهی گریاند. بسته به اینکه موقعیت و شرایط چگونه است. کسی مخالف خنده یا گریه نیست، بلکه رعایت نکردن حدود و شرایط و خطوط قرمز هاست؛ که گاهی سبب مخالفت ها می شود زیرا هیچ چیز مطلقی وجود ندارد و هر چیزی حد و حدود و مقرراتی دارد.

مسخره کردن، هجو مؤمنان، تحقیر کردن و دست انداختن آنان به هدف خنداندن از محدودیت های اسلامی خنداندن و ارائه اطلاعات تاریخی بی اساس برای گریاندن، از محدودیت های گریاندن، به شمار می آید.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید: «أَمَا إِنِّی أُصَلِّی وَ أَنَامُ وَ أَصُومُ وَ أُفْطِرُ وَ أَضْحَکُ وَ أَبْکِی فَمَنْ رَغِبَ عَنْ مِنْهَاجِی وَ سُنَّتِی لَیْسَ مِنِّی؛ همانا من نماز می گزارم و می خوابم و روزه می گیرم و افطار می کنم و می خندم و می گریم و هر که از طریقه و روش من روبگرداند، از من نیست».(۲)

۲۵. شکستن خرافات و رسوم جاهلی یکی از وظایف مسئولان فرهنگی است

۲۵. شکستن خرافات و رسوم جاهلی یکی از وظایف مسئولان فرهنگی است

خداوند می فرماید:

فَلَمَّا قَضَی زَیْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاکَهَا لِکَیْ لَا یَکُونَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ حَرَجٌ فِی أَزْوَاجِ أَدْعِیَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا؛ پس

۱- ترجمه المیزان، ج ۱۹، ص ۷۸.

۲- کافی (ط _ اسلامیه)، ج ۲، ص ۸۵.

چون زیـد از آن [زن] کام برگرفت [و او را ترک گفت] وی را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینـده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگانشان _ چون آنان را طلاق گفتند _ مانعی نباشد. (احزاب: ۳۷)

در این آیه خداوند به داستان زید (پسر خوانده پیامبر) و همسرش زینب (دختر عمه پیامبر) می پردازد. زید پسر خوانده پیامبر صلی الله علیه و آله بود که به پیشنهاد وی با زینب ازدواج می کند. اما بعد از مدتی بر اثر مشاجره و اختلافاتی از یکدیگر جدا می شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله به دو دلیل تصمیم می گیرد با زینب ازدواج کند یکی برای جبران شکست روحی زینب که به پیشنهاد خود پیامبر با یک برده آزاد شده (زید) ازدواج می کند: و از ناحیه همین برده آزاد شده نیز طلاق داده می شود و دوم برای طرد این سنت جاهلی که همسر سابق پسر خوانده خود را همانند عروس واقعی خود به حساب می آوردند و ازدواج او را پس از جدایی از پسر خوانده، جایز نمی دانستند.(۱)

بنابراین، پیامبر صلی الله علیه و آله به امر خداوند با زینب ازدواج می کند و خط باطلی بر این رسم جاهلیت می کشد، پیامبر اسلام می داند که ممکن است برخی عوام یا منافقان بر ضد او تبلیغ کنند و چهره او را مخدوش سازند اما از این وظیفه دست نمی کشد.

از اینجا معلوم می شود که مبارزه با خرافات و رسومی که هیچ مبنای عقلی و شرعی ندارند، یکی از وظایف متولیان فرهنگی است و سهل انگاری در این وظیفه جایز نیست.

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۱۹؛ تفسیر نور، ج ۹، ص ۳۷۰؛ ترجمه المیزان، ج ۱۶، صص ۴۸۲ و ۴۸۳.

در عصر ما نیز اگر چه علم و تکنولوژی پیشرفت کرد و ابزارهای جدید ارتباطی وارد زندگی مردم شده است، اما جهل و خرافه هنوز از افکار و زندگی مردم دور نشده است. این مطلب، وظیفه متولیان فرهنگی به ویژه در حوزه های علمیه و رسانه ملی را سنگین تر می کند. گاهی لازم است برای مبارزه با خرافه هزینه بپردازیم و از آبرو و حیثیت معنوی نیز مایه بگذاریم. چنان که در آیه مورد بحث نیز خداوند به مخالفت های احتمالی عوام الناس شاخه و برگ یافتن آن در حد یک داستان عشقی نامتناسب با شأن ایشان وقعی نگذاشته و به بهای سر زبان افتادن یک موضوع خانوادگی پیامبر صلی الله علیه و آله و به جنگ چنین رسمی رفت تا آن را برای همیشه براندازد.

۲۶. در مبارزات فرهنگی عفت زبان و ادب را باید رعایت کرد

۲۶. در مبارزات فرهنگی عفت زبان و ادب را باید رعایت کرد

خداوند می فرماید:

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ و آنهایی را که جز خدا می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. (انعام: ۱۰۸)

خداوند در این آیه مسلمانان را به ادب و عفت زبان در برابر مخالفان و دشمنان دعوت می کند؛ چون این معنا جزو غریزه انسانی است که از حریم مقدسات خود دفاع کند. چه بسا او از شدت خشم به مقدسات دیگران فحش و ناسزا گوید، ولی خداوند در این آیه با این عمل مخالفت کرده و رعایت اصول ادب و عفت زبان را در برابر خرافی ترین

ادیان لازم شمرده است.(۱) دلیل مطلب نیز روشن است؛ زیرا دشنام و ناسزا نمی تواند کسی را از مسیر غلط باز دارد، بلکه همان طور که آیه فوق به آن اشاره دارد، تعصب شدید همراه با جهالت، سبب می شود که دیگران نیز به خدای مسلمان و مقدسات آنان ناسزا گویند و در حقیقت هتک حرمت به حریم کبریایی خداوند شده است. ازاین رو، رهبران دینی همیشه اصحاب و یاران خود را به رعایت ادب و حفظ زبان از دشنام و بدگویی حتی نسبت به دشمنان تشویق می کردند و تأکید داشتند با استدلال و منطق با آنان برخورد کنند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام به جمعی از یارانش که پیروان معاویه را در ایام جنگ صفین دشنام می دادند(۲) می فرماید:

إِنِّی أَکْرَهُ لَکُمْ أَنْ تَکُونُوا سَبَّابِینَ وَ لَکِنَّکُمْ لَوْ وَصَفْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَ ذَکَرْتُمْ حَالَهُمْ کَانَ أَصْوَبَ فِی الْقَوْلِ وَ أَبْلَغَ فِی الْعُذْر.(۳)

من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، اما اگر به جای دشنام، شما کردارشان را تشریح و حالات آنان را بازگو می کردید (مطالبتان متین تر از کار درآمده و از عهده نقد منطقی آن بهتر بر می آمدید).

بنابراین در مبارزات فرهنگی باید ادب را رعایت کرد و به مخالفان احترام گذاشت. به کار بردن کلمات زشت و رکیک نه تنها مشکل را حل نخواهد کرد، بلکه روحیه لجاجت را در آنها زنده می کند و مقابله به مثل خواهند کرد. در این میان حتی کسانی که در جبهه مخالف ما نیستند و

۱- ترجمه المیزان، ج ۷، ص ۴۳۴.

۲- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۳۹۳.

۳- نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۳۲۳.

به قولی بی طرف هستند با مشاهده عملکرد زشت ما، ممکن است حق را به مخالفان و دشمنان بدهند و به سوی آنها جلب شوند. ازاین رو، بهترین شیوه در کارهای فرهنگی به کارگیری منطق، استدلال، زبان خوش و احترام به همه است.

۲۷. کارهای فرهنگی گاهی به از خودگذشتگی، ایثار و جان فشانی نیاز دارد

۲۷. کارهای فرهنگی گاهی به از خودگذشتگی، ایثار و جان فشانی نیاز دارد

خداوند می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنْ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ کسانی که به آیات خدا کفر می ورزند، و پیامبران را به ناحق می کشند، و دادگستران را به قتل می رسانند، آنان را از عذابی دردناک خبر ده. (آل عمران: ۲۱)

این آیه به بیان حال برخی از اهل کتاب و به خصوص یهودیان می پردازد که در گذشته آیات الهی را انکار می کردند و پیامبران و ناهیان از منکر و آمران به معروف را به قتل می رساندند و خداوند در این آیه آنان را به عذاب دردناک بشارت می دهد.

پیامبران و آمرین به قسط، از بهترین کارگزاران فرهنگی هستند که مردم را از جهالت و گمراهی به نور و روشنایی هدایت می کنند، در راه رسالتشان شهید می شوند و به قتل می رسند. از ظاهر آیه بر می آید که این عمل در گذشته تکرار شده و در حال حاضر نیز هر از گاهی علما و آمران به معروف را ترور می کنند. در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند کدامیک از مردم عذابش در روز قیامت از همه شدیدتر است؟ فرمود: کسی که پیامبری را به قتل برساند یا مردی را که امر به معروف و نهی از

منکر می کند، و آیه فوق را تلاوت فرمود سپس افزود؛ بنی اسراییل ۴۳ پیامبر را در آغاز روز در یک ساعت کشتند.

با این حال، ۱۱۲ نفر از عابدان بنی اسراییل قیام کردند و قاتلان را امر به معروف و نهی از منکر کردند، آنها نیز در همان روز کشته شدند.(۱)

تاریخ انبیا و اولیای الهی نمونه هایی از ایثار و جهاد و شهادت در راه اعتلای کلمه حق و مبارزه با جهل و خرافه و بت پرستی فراوان دارد. بنابراین، کسانی که می خواهند کار فرهنگی انجام دهند، باید بدانند که این وظیفه الهی به ایثار و جهاد و سختی و مرارت نیاز دارد؛ زیرا همیشه کسانی هستند که وضع موجود با منافع آنها سازگارتر است. بنابراین، بر ضد اصلاح طلبان فرهنگی اقدام می کنند و یا اینکه وضع موجود با منافع آنها سازگار نیست، ازاین رو از هر اقدامی برای بر هم زدن وضعیت فرهنگی مردم دریغ نمی ورزند. در این مسیر، ممکن است خداوند به متولیان فرهنگی را که هدفی جز اصلاح جامعه ندارند آسیب برساند.

متولیان فرهنگی باید خوشحال باشند که اگر در راه مسیر اقامه قسط و بسط فرهنگ دینی کشته شوند، بر اساس آیه فوق هم ردیف پیامبران شهید، قرار دارند و خداوند آنها را در این آیه کنار یکدیگر ذکر کرده و این مقامی ارزشمند و شریف برای آنها خواهد بود.

۱- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۸۱.

فصل چهارم

ویژگی های مسئولان و متولیان فرهنگی از نگاه آیات و روایات

اشاره

ویژگی های مسئولان و متولیان فرهنگی از نگاه آیات و روایات

زیر فصل ها

۱. مسئولان فرهنگی باید روح بزرگ داشته باشند

۱. مسئولان فرهنگی باید روح بزرگ داشته باشند

خداوند می فرماید:

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛ گفت: «پروردگارا، سینه ام را گشاده گردان. (طه: ۲۵)

بعد از آنکه خداوند به موسی علیه السلام دستور می دهد که به جانب فرعون رود و رسالت الهی را به او و اطرافیانش یادآوری کند، حضرت موسی علیه السلام از خداوند درخواست شرح صدر، روح بزرگ، حوصله و استقامت کرد. شرح صدر؛ یعنی روح، چنان بزرگ می شود که آمادگی پذیرش هر واقعیتی دارد. از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره شرح صدر سؤال شد، فرمود: «نوری است که خدا در قلب هر کس بخواهد، می افکند و در پرتو آن روح او وسیع و گشاده می شود.

پرسیدند آیا نشانه ای دارد که با آن شناخته شود؟

فرمود: آری نشانه اش توجه به سرای جاویدان و دامن برچیدن از زرق و برق دنیا و آماده شدن برای مرگ است پیش از آنکه مرگ فرا رسد».(۱)

بنابراین، متولیان فرهنگی متناسب با سطح مسئولیتشان نیازمند روح

۱- تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۴۳۷.

بزرگ و سعه صدر هستند تا بتوانند مشکلات بزرگ فعالیت های فرهنگی را پشت سر نهند.

۲. مسئولان فرهنگی باید خوش اخلاق و نرم دل باشند

۲. مسئولان فرهنگی باید خوش اخلاق و نرم دل باشند

خداوند می فرماید:

وَإِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیمٍ؛ و راستی که تو را خویی والاست. (قلم: ۴)

همچنین در آیه دیگری می فرماید:

فَبِمَا رَحْمَهٍ مِنْ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ کُنْتَ فَظًّا غَلِیظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم خو [و پُرمِهر] شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. (آل عمران: ۱۵۹)

آیات فوق نشان دهنده اخلاق نیکو و حسنه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و نقش آن در جذب مردم به اسلام و دوری از شرک است. در بعضی از تفاسیر از این خلق نیکو به معجزه اخلاقی پیامبر تعبیر شده است و آن را از عوامل مهم پیروزی فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله بر فرهنگ عقب مانده جزیره العرب و نواحی اطراف می دانند. در حدیثی از امام حسین علیه السلام آمده است: «از پدرم امیرمؤمنان، علی علیه السلام درباره ویژگی های زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و اخلاق او سؤال کردم و پدرم به طور مفصل به من پاسخ فرمود. در بخشی از این پاسخ آمده است:

رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با همنشینانش چنین بود که دائماً خوش رو و خندان و سهل الخلق و ملایم بود. هرگز خشن و سنگ دل و پرخاشگر و بدزبان و عیب جو و مدیحه گر نبود، هیچ کس از او مأیوس نمی شد و هرکس به در

خانه او می آمد، نومید بازنمی گشت. سه چیز را از خود رها کرده بود: مجادله در سخن، پرگویی و دخالت در کاری که به او مربوط نبود. و سه چیز را در مورد مردم رها کرده بود: کسی را مذمت نمی کرد و سرزنش نمی فرمود. از لغزش ها و عیوب پنهانی مردم جست وجو نمی کرد. هرگز سخن نمی گفت مگر در موردی که ثواب الهی را امید داشت. در موقع سخن گفتن به قدری نافذالکلمه بود که همه سکوت اختیار می کردند و تکان نمی خوردند و به هنگامی که ساکت می شد: آنها به سخن در می آمدند. اما نزد او هرگز نزاع و مجادله نمی کردند... هرگاه فرد غریب و ناآگاهی با خشونت سخن می گفت و درخواستی می کرد تحمل می نمود و به یارانش می فرمود: هرگاه کسی را دیدید که حاجتی دارد به او عطا کنید و هرگز کلام کسی را قطع نمی کرد تا سخنش پایان گیرد.(۱)

بنابراین، مسئولان و متولیان فرهنگی باید اخلاق خوش و زبانی نرم و قلبی بدون کینه داشته باشند تا بتوانند کالای خود را به بهترین وجه عرضه کنند. همان طور که در تفسیر آیات گفته شد آنچه اسلام را پیش برد فقط استدلال و منطق نبود، تنها شمشیر هم نبود بلکه این اخلاق نیکوی پیامبر و ائمه معصومان علیهم السلام بود که بر دل مردم اثر می گذاشت. و آنان را با تمام وجود آماده ایثار و جانفشانی در راه اسلام می کرد. وقتی مردم اثر حیات بخش اسلام را در اعمال و رفتار متولیان فرهنگی ببینند، بهترین تابلو تبلیغاتی برای نمایش دادن فرهنگ متعالی است.

در روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید:

كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمُ الْوَرَعَ وَ الِاجْتِهَادَ وَ

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۷۸.

الصَّلَاهَ وَ الْخَیْرَ فَإِنَّ ذَلِکَ دَاعِیَه؛ مردم را با غیر زبان خود (با اعمال و رفتار خود) به راه حق دعوت نمایید. باید مردم از شما ورع و کوشش و نماز و اعمال خیر ببینند که این روش کاملاً جلب کننده است.(۱)

۳. مسئول فرهنگی باید ظاهری آراسته داشته باشد

۳. مسئول فرهنگی باید ظاهری آراسته داشته باشد

خداوند می فرماید:

وَثِیَابَکَ فَطَهِّرْ؛ و لباس خویشتن را پاک کن. (مدثر: ۴)

خداوند در این سوره برای قیام به انجام رسالتش دستوراتی به پیامبرش می دهد. از جمله اینکه می فرماید: ای پیامبر جامه خود را پاک کن. این معنی در واقع به حفظ ظاهر و آراستگی اشاره دارد.(۲) با توجه به اینکه این سوره در مکه و در اوایل بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است می رساند که آراستگی ظاهری برای شخصیتی که دین جدید و آیین و فرهنگ تازه ای می خواهد بیاورد، اهمیت فوق العاده ای دارد. علت مطلب هم معلوم است؛ زیرا پاکیزگی لباس از مهم ترین نشانه های شخصیت و تربیت و فرهنگ انسان است، به ویژه در عصر جاهلیت از آلودگی ها کمتر اجتناب می کردند. انسان تمیز و مرتب، کلامش بهتر بر دل می نشیند، مردم آراستگی ظاهر را اماره آراستگی باطن می شمارند امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «مِنْ أَخْلَاقِ الْانبیا التَّنَظُّف؛ پاکیزگی از اخلاق پیامبران است».(۳)

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۳.

۲- ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۱۲۶؛ تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۱۲.

۳- تحف العقول، ص ۴۴۲.

همچنین آن حضرت درباره بوی خوش می فرماید: «مِنْ أَخْلَاقِ الْانبیا التَّطیّبُ؛ از اخلاق انبیا بوی خوش به کار بردن است».(۱)

بنابراین، افراد فرهنگی باید ظاهری جذاب، پاک و مرتب داشته باشند تا در همان وهله اول از افکار مردم طرد نشوند. پاکیزگی به متولیان فرهنگی اختصاص ندارد بلکه هر چیزی که به فرهنگ و امور فرهنگی منتسب است مثل ساختمان، وسیله نقلیه، نمایشگاه و... همه باید ویژگی آراستگی را داشته باشند.

۴. مسئولان فرهنگی دائماً باید در فکر رشد علمی باشند

۴. مسئولان فرهنگی دائماً باید در فکر رشد علمی باشند

خداوند می فرماید:

وَقُلْ رَبِّ زِدْنِی عِلْمًا؛ و بگو پروردگارا، بر دانشم بیفزای. (طه: ۱۱۴)

در آیه فوق خداوند به پیامبرش دستور می دهد تا از خداوند طلب فزونی علم نماید. جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله با آن علم سرشار و روح مملو از آگاهی مأمور است تا پایان عمر، از خدا افزایش علم بطلبد، وظیفه دیگران کاملاً روشن است. از نظر اسلام، افزون طلبی در بسیاری از امور مذموم است ولی در علم ممدوح است.(۲)

در حدیثی امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش می فرماید:

فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُ إِلَی الله مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَهِ؛ ارزش علم نزد خداوند محبوب تر است از ارزش عبادت.(۳)

۱- مکارم الاخلاق، ص ۴۲.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۱۴.

۳- تفسیر صافی، ج ۳، ص ۳۲۲.

همچنین از جمله اندرزهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر این است که فرمود:

يَا جَاهِلُ تَعَلَّمْ العِلْم فَإِنَّ قَلْباً لَيْسَ فِيهِ عِلْمٌ مِنَ الْعِلْمِ كَالْبَيْتِ الْخَرَابِ الَّذِى لَا عَامِرَ لَه؛ ای نادان! بیاموز دانش را؛ زیرا دلی که در آن نور دانش نتابد، مانند خانه خرابی است که کسی او را تعمیر نمی کند.

بنابراین، همه کسانی که عهده دار کارهای فرهنگی هستند باید علم و دانش خود را در حیطه وظایفشان افزایش دهند و متکی به اندوخته های سابق نباشد. امروزه سرعت پیشرفت علمی به اندازه ای است که اگر انسان، خود را به روز نکند، بعد از چند سال در حکم افراد کم سواد خواهد بود. به خصوص در مسائل فرهنگی که از یک سو با جامعه و از سوی دیگر با انسان سروکار دارد و هر دو پیچیدگی های خاص خود را دارند.

۵. مسئولان فرهنگی نباید چشم انتظار مالی از مردم داشته باشند

۵. مسئولان فرهنگی نباید چشم انتظار مالی از مردم داشته باشند

خداوند می فرماید:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْعَالَمِينَ؛ بگو: «من، از شما هیچ مزدی بر این [رسالت] نمی طلبم. این [قرآن] جز تذکری برای جهانیان نیست. (انعام: ۹۰)

خداوند در چند جای قرآن بیان می دارد که پیامبران و انبیا به مردم می گفتند که «من در مقابل این رسالت از شما چیزی نمی خواهم.» در آیه فوق نیز خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله دستور می دهد که به مردم بگوید من در برابر رسالتی که انجام می دهم از شما پاداشی نمی خواهم. علت

مطلب هم روشن است؛ زیرا وقتی مردم این را بدانند که پیامبری ادعای مالی ندارد، حرفش را بهتر گوش می کنند و به او خوش بین تر می شوند. ازاین رو، این روش همه انبیا الهی بوده و حتی جانشینان آنها و علمای بزرگ نیز بر این منش سلوک می کردند. مسائل مادی آن قدر حساسیت برانگیز است که اگر کسی بویی از انحراف مالی داشته باشد، دیگر کلامش در مردم نافذ نخواهد بود ولو اینکه حق بگوید. ازاین رو، برخی مردم که توقعات مالی نابه جایشان از سوی پیامبر برآورده نمی شد، درباره تقسیم صدقات به حضرت خرده می گرفتند و او را در تقسیم کردن اموال عادل نمی دانستند. قرآن با مذمت از این افراد یاد کرده و می فرماید:

وَ مِنْهُمْ مَنْ یَلْمِزُکَ فِی الصَّدَقات؛ و برخی از آنان [منافقان] در [تقسیم] صدقات بر تو خرده می گیرند. (توبه: ۵۸)

مبادا آنکه آبروی آن حضرت مخدوش شود بنابراین، متولیان فرهنگی نباید با درخواست مالی از مردم، خود و کلامشان را در نگاه مردم کوچک کنند و ارزش کارشان را پایین بیاورند. آنها باید بدانند که مسائل فرهنگی، ارزش و اهمیت فراوان دارد و ابلاغ آن به مردم از نگاه خداوند مخفی نمی ماند و خداوند اجر و پاداش آن را هم در دنیا و هم آخرت ادا خواهد کرد. کسانی که مسئول بودجه نویسی کشور هستند باید به امر فرهنگ توجه کنند و در تقسیم بودجه، سهم فرهنگ را کم نگذارند. امور فرهنگی باید در اولویت اول باشد و بودجه کافی به آن اختصاص داده شود. متأسفانه در کشور ما مسائل فرهنگی در رتبه آخر و بعد از همه امور قرار می گیرد. درست است که متولی فرهنگی نباید چشم داشتی از مردم داشته باشد، اما این به معنای بی توجهی مسئولان کشور و

بودجه نویسان دولت و مجلس نیست. آنها نیز باید رسالتشان را به نحو مستوفی انجام دهند.

همچنین افراد خیری که می تواننـد کمک کننـد، باید در این قضـیه پیشـقدم شوند و خود پیشـنهاد مالی برای کارهای فرهنگی بدهند. در این صورت هم مسئولان فرهنگی سبک نمی شوند و هم طرح های فرهنگی بر زمین نمی ماند.

۶. متولیان فرهنگی باید شناختی عمیق از دین داشته باشند

۶. متولیان فرهنگی باید شناختی عمیق از دین داشته باشند

خداوند می فرماید:

فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طَائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الـدِّینِ وَلِیُنـذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ؛ چرا از هر گروهی، دسـته ای به سـفر نرونـد تا دانش دین خویش را بیاموزند و چون بازگشـتند مردم خود را هشدار دهند، باشد که از زشت کاری حذر کنند. (توبه: ۱۲۳)

خداوند در این آیه به مسـلمان اعتراض می کند که چرا عده ای از مردم از شـهر خویش به سوی مدینه کوچ نمی کنند تا دین را فراگیرنـد و آن گـاه به سوی قوم و دیـار خود برگردنـد و آنهـا را انـذار کننـد، شایـد آنهـا از کارهای زشت دست بکشـند. بنابراین، حرکت به سوی تفقه دین و فراگیری علوم دینی اعم از عقاید، اخلاق و احکام، امری لازم است تا اینکه در هر شهری عالمی و متخصص دینی باشد و مردم را انذار کند.

در روایات نیز بر فراگیری علوم دینی تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

عَلَیْکُمْ بِالتَّفَقُّهِ فِی دِینِ اللَّهِ وَ لَا تَکُونُوا أَعْرَاباً فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ یَتَفَقَّهْ

فِی دِینِ اللَّهِ لَمْ یَنْظُرِ اللَّهُ إِلَیْهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ لَمْ یُزَکِّ لَهُ عَمَلًا؛ بر شما باد که در دین خدا دانشمند شوید و صحراگرد نباشید؛ زیرا آنکه در دین خدا دانشمند نشود خدا روز قیامت به او توجه نکند و کردارش را پاکیزه نشمارد.(۱)

امام باقر علیه السلام در حدیث دیگری می فرماید:

الْکَمَالُ کُلُ الْکَمَالِ التَّفَقُّهُ فِی الدِّینِ وَ الصَّبْرُ عَلَی النَّائِبَهِ وَ تَقْدِیرُ الْمَعِیشَه؛ کمال انسان و نهایت کمالش دانشمند شدن در دین و صبر در بلا و اقتصاد در زندگی است.(۲)

با توجه به اینکه اکثریت مردم کشور ما مسلمان و اهل دین هستند، متولیان امر فرهنگ نیز باید اطلاعات و شناخت خوبی از دین داشته باشند. هرگونه تصمیم و یا اجرای طرح فرهنگی در کشور، بدون اطلاع از ارتباط آن با دین در کشور مشکل ساز خواهد بود؛ زیرا همانطور که قبلاً- گفتیم فرهنگ در کشور ما هم سو با دین است و مورد تأیید آن است. فرهنگی که با دین در تعارض باشد، جایی در کشور ما ندارد. بنابراین، متولیان فرهنگی خود باید اسلام شناسانی قوی و کارکشته باشند یا حداقل با متخصصان دینی مشورت کند و از آنها راهنمایی بخواهد.

۷. مسئولان فرهنگی باید سوز و شور داشته باشند

۷. مسئولان فرهنگی باید سوز و شور داشته باشند

خداوند می فرماید:

لَقَدْ جَاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَحِیمٌ؛ هر آینه پیامبری از خود شما بر

۱- کافی (ط _ اسلامیه)، ج ۱، ص ۳۱.

۲- کافی (ط _ اسلامیه)، ج ۱، ص ۳۲.

شما مبعوث شد. هر آنچه شما را رنج می دهد بر او گران می آید سخت به شما دلبسته است و با مؤمنان رئوف و مهربان است. (توبه: ۱۲۸)

این آیه به پنج ویژگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان رهبری دینی و فرهنگی اشاره دارد. ویژگی اول: حضرت از جنس خود مردم است. ویژگی دوم: هر گونه ناراحتی و زیان و ضرری به شما برسد برای او سخت و ناراحت کننده است. ویژگی سوم: او سخت به هدایت شما و هرچه به خیر و سعادت شما مرتبط باشد، علاقمند است و عشق می ورزد. ویژگی چهار و پنجم: او نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است.(۱)

بنابراین، کسی که رهبری دینی و فرهنگی مردم را عهده دار می شود و خواهان انجام اصلاحات فرهنگی در جامعه است، باید سوز و شور داشته باشد. با رنج مردم برنجد و از گمراهی و کجروی شان اندوهناک باشد.

باید مردم را از خود بداند، گرسنگی آنها گرسنگی او باشد، نباید خود را عضو جدای از جامعه بداند، مردم متمایل به کسی می شوند که هم درد آنها باشد و سختی های آنها را احساس کند. در این صورت است که هرچه پیامبر صلی الله علیه و آله بگوید، اطاعت می کنند و همه آداب و رسوم باطل پدرانشان را به زباله دان تاریخ می ریزند و فرهنگی نو و غنی، نه از جنس فرهنگ ایران زمین و نه رومیان و یونیان، بلکه فرهنگی مبتنی بر وحی الهی در آن سرزمین فلاکت بار برپا می کنند و تاکنون که پانزده قرن از آن

۱- تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۰۷.

می گذرد، هنوز طراوت و تازگی خودش را حفظ کرده و توانسته است نگاه جوانان شرق و غرب عالَم را به خود جلب کند. اگر عشق و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به مردم نبود، آیا آن مردم حاضر بودند تمام هستی خود را به پای دین پیامبر بریزند؟

بنابراین، همه کسانی که خواهان اصلاحات فرهنگی هستند باید چنین باشند.

۸. کارگزاران فرهنگی باید شجاعت و شهامت داشته باشند

۸. کارگزاران فرهنگی باید شجاعت و شهامت داشته باشند

خداوند می فرماید:

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ؛ همان کسانی که پیام های خدا را ابلاغ می کنند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند. (احزاب: ۳۹)

این آیه به یکی از ویژگی های مهم انبیا اشاره دارد و می فرماید پیامبران گذشته رسالت های الهی را تبلیغ می کردند و در این راه از کسی غیر از او نمی ترسیدند. بنابراین، شرط اساسی برای پیشرفت در مسائل تبلیغاتی، قاطعیت، اخلاص و نترسیدن از هیچ کس جز خداست. آنها که در برابر فرمان های الهی خواسته های این و آن و تمایلات بی رویه گروه ها و جمعیت ها را در نظر می گیرند و با توجیهاتی، حق و عدالت را تحت الشعاع آن قرار می دهند، هرگز نتیجه اساسی نخواهند گرفت. البته این با مواردی که نرمش و سکوت در آنها برای جذب دل ها بهتر است، منافات ندارد. ازاین رو، کارگزاران فرهنگی که از یک سو به دنبال حفظ فرهنگ اصیل مردم هستند و از سوی دیگر با فرهنگ منحرف و منحط غرب مبارزه می کنند، باید شهامت و شجاعت این کار را داشته باشند و

از تهدید و تطمیع و فشارهای صاحب منصبان و صاحب نفوذان هراسی به خود راه ندهند. بی شک انجام این رسالت سنگین، دشواری های فراوانی دارد و همیشه موانع بزرگی در سر راه خواهد بود که توکل بر خدا و نترسیدن از غیر خدا، بهترین پشتوانه و پشتیبان خواهد بود.(۱)

۹. زبان و دل متولیان فرهنگی باید هماهنگ باشد (به آنچه می گویند عامل باشند)

۹. زبان و دل متولیان فرهنگی باید هماهنگ باشد (به آنچه می گویند عامل باشند)

خداوند می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی می گویید که انجام نمی دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید. (صف: ۲ و ۳)

خداوند در این آیات، مؤمنان را به دلیل عمل نکردن به قول هایشان سرزنش می کند و این کار آنها را بسیار زشت می داند. از نشانه های مهم مؤمنان راستین این است که گفتار و کردارشان صددرصد هماهنگ باشد و هر چه خلاف این باشد دوری از ایمان است. این دو حالت دارد: گاه انسان سخنی می گوید که از اول تصمیم دارد انجام ندهد. این نوعی نفاق و دورویی است که از ساحت مؤمنان به دور است، اما گاه از اول تصمیم بر عمل دارد، ولی بعداً پشیمان می شود. این دلیل ضعف ایمان است که باید برطرف شود. جدایی گفتار از کردار موجب بی اعتمادی بین مردم و سلب اطمینان از یکدیگر می شود و این بدترین بلایی است که ممکن

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۳۵.

است به جامعه ای وارد شود. جامعه ای که در آن افرادش سخنی می گویند و پای بند به آن نیستند هرگز برادری، صمیمیت و اعتماد بین آنها حاکم نخواهد شد این عاملی برای فسادهای دیگر در جامعه خواهد شد. هماهنگی گفتار و کردار و حتی پندار و اعتقاد از لوازم اولیه کارهای فرهنگی است و بدون آن، اعتماد که بزرگ ترین سرمایه است از بین خواهد رفت و انبیا بهترین الگو برای این هماهنگی سه گانه هستند.

خداوند در این باره می فرماید: «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ؛ پیامبر [خدا] به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است». (بقره: ۲۸۵)

این آیه می فرماید که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به آنچه بر او نازل شده و دیگران را به آن دعوت می کند، ایمان دارد؛ یعنی اعتقاد آنها با محتوای دعوتشان یکی است و خلاف آنچه مردم را به آن دعوت می کند معتقد نیستند. امیرمؤمنان علی علیه السلام در نامه ای به مالک اشتر (به عنوان یک حاکم اسلامی و کارگزار فرهنگی) می نویسد:

إِيَّاك..... أَنْ تَعِـدَهُمْ فَتُتْبِعَ مَوْعِـدَكَ بِخُلْفِك... الْخُلْفَ يُوجِبُ الْمَقْتَ عِنْدَ اللَّهِ وَ النَّاس؛ از اینکه به مردم وعده بدهی و تخلف کنی سخت بپرهیز، زیرا این موجب خشم عظیم در نزد خدا و مردم خواهد شد.(۱)

وقتی این ویژگی در مؤمنان با این اهمیت باشد، برای مسئولان فرهنگی که پیام آور دوستی و صداقت و راست گویی هستند، به طریق اولی لازم و ضروری است. چطور می شود به کارگزار فرهنگی اعتماد

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۶۳ و نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۴۴۴.

داشت و راه و روش و فرهنگ او را پیروی کرد در حالی که پای بند به گفته های خویش نیست.

۱۰. پاداش و کیفر متولیان فرهنگی دو چندان است

۱۰. پاداش و کیفر متولیان فرهنگی دو چندان است

خداوند می فرماید:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا؛ ای زنان پیامبر، هرکس از شما مرتکب کار زشتِ درخور عقوبت شود، خدا عذاب او را دو برابر می کند و این بر خدا آسان است. (احزاب: ۳۰)

همچنین می فرماید:

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ؛ و هر کس از شما که به فرمان برداری خدا و پیامبرش مداومت ورزد و کاری شایسته کند دوبار به او پاداش دهیم. (احزاب: ۳۱)

خداوند در این آیات به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله هشدار می دهد که شما مانند بقیه مردم نیستید. اگر شما مرتکب کار زشتی شوید، عذاب شما دو برابر است و اگر کار خوبی انجام دهید پاداش آن نیز مضاعف است؛ زیرا شما در خانه وحی زندگی می کنید. بنابراین، آگاهی شما در زمینه مسائل دینی با توجه به ارتباط دائم با پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر است و از طرفی چون شما به خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله منتسب هستید در معرض نگاه دیگرانید و اعمال شما سرمشق دیگران است. بنابراین، با توجه به اینکه پاداش و کیفر، به

معرفت و میزان آگـاهی و همچنین تـأثیر آن عمل در محیط بسـتگی دارد،(۱) میزان پـاداش و کیفر زنان پیامبر صـلی الله علیه و آله بـا بقیه مردم متفـاوت است. در روایات نیز به این مسـئله که پاداش و کیفر بسـتگی به میزان معرفت دارد اشاره شـده است، چنانکه از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

یُغْفَرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْباً قَبْلَ أَنْ یُغْفَرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِد؛ هفتاد گناه جاهل بخشوده می شود پیش از آنکه یک گناه از عالم بخشوده شود.(۲)

از آیات فوق این نتیجه را می توان گرفت که حکم فوق اختصاص به زنان پیامبر صـلی الله علیه و آله ندارد. و هر کس شـرایط و معیارهـا و ملاـک هـای آنـان را داشـته باشـد شامل این قانون خواهـد شـد. بنابراین، متولیان و دست انـدرکاران فرهنگی که معمولاً از آگاهی و معرفت بیشتری برخوردارند و جایگاه اجتماعی خاصـی در جامعه دارند و مردم آنها را به عنوان انسان های فرهنگی و ارزشـی می دانند، اگر کار خوبی کنند یا کار زشت آشکاری انجام دهند، پاداش و کیفر آن دو چندان خواهد شد. بنابراین این گونه افراد باید بیشتر به خود توجه کنند و کاری نکنند که موجب گمراهی مردم شوند.

۱۱. متولیان فرهنگی باید اهل بصیرت باشند

۱۱. متولیان فرهنگی باید اهل بصیرت باشند

خداوند می فرماید:

أَدْعُو إِلَی اللَّهِ عَلَی بَصِیرَهٍ أَنَا وَمَنْ اتَّبَعَنِی؛ من و هرکس مرا پیروی کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم. (یوسف: ۱۰۸)

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۴.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۵ و کافی (ط _ الاسلامیه)، ج ۱، ص ۴۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس این آیه می فرماید که من از روی تقلید یا بی اطلاعی مردم را به سوی خداوند دعوت نمی کنم بلکه من و همه پیروانم از روی بصیرت این کار را انجام می دهیم. بصیرت به معنای بینایی دل است. این معنا با علم و ایمان متفاوت است. ممکن است کسی عالم و مؤمن باشد، اما بصیر نباشد و ممکن است شخصی بصیر باشد ولی عالم مصطلح نباشد. بنابراین، بصیرت نوری باطنی است که حق را از باطل تشخیص می دهد و هیچ وقت گرفتار فتنه نخواهد شد و این از لوازم دعوت به سوی حق است؛ زیرا گاهی حق و باطل چنان نزدیک به هم و شبیه به یکدیگر می شوند که غیر از انسان های بصیر، بقیه راه را گم می کنند. پس آنان چگونه می خواهند دیگران را از گمراهی به روشنایی رهنمون کنند. پس بصیرت لازمه کار هدایت است.

متولیان فرهنگی کشور ما که مسئولیت هدایت مردم به سوی فرهنگ متعالی را دارند، نباید خود را در گرداب فتنه هایی گرفتار کنند که از غرب و شرق یا داخل ایجاد می شود.

آیا می توان فرهنگ کشوری را که اساس آن کشور است به دست افرادی سپرد که مدارج عالیه علمی را طی کرده اند، اما بی بصیرتند. آیا کسی که قوه درونی برای تشخیص حق از باطل ندارد و آگاهی لازم در تشخیص مصالح عمومی جامعه را ندارد، می تواند برای کشوری طرح های فرهنگی ارائه کند.

بنابراین، وجود بصیرت فرهنگی از ضروریات و معیارهای انتخاب متولیان فرهنگی کشور باید باشد.

۱۲. حکومت اسلامی باید کار فرهنگی را جزو شرح وظایف اصلی خود به حساب آورد

۱۲. حکومت اسلامی باید کار فرهنگی را جزو شرح وظایف اصلی خود به

حساب آورد

خداوند می فرماید:

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنْ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند، و فرجام همه کارها از آنِ خداست. (حج: ۴۰)

خداوند در این آیه به ویژگی مؤمنان اشاره می کند که در زمین نیرومند شوند و قدرت یابند، در واقع، ویژگی مؤمنان این است که وقتی در زمین نیرومند شوند و برای هر نوع زندگی اختیار داشته باشند، در میان انواع زندگی، زندگی صالح اختیار می کنند و جامعه ای صالح می سازند تا در آن جامعه نماز به پا داشته و زکات داده شود، امر به معروف و نهی از منکر نیز انجام می گیرد.(۱)

مؤمنان وقتی قدرت پیدا کنند تبلور آن در حکومت اسلامی است. بنابراین، حکومت اسلامی وظیفه دارد کارهای چهارگانه که در آیه بیان شده اجرا کند؛ یعنی در جامعه کاری کنند که نماز برپا شود و شخص بی نماز در جامعه نباشد، فریضه دادن زکات و امر به معروف و نهی از منکر احیا شود و همه به آن پای بند باشند. همه این کارها نیازمند کار فرهنگی است. بنابراین، در جامعه اسلامی که حکومت آن تبلور قدرت مؤمنان است، باید برای به پا داشتن آن چهار ویژگی به مسائل فرهنگی

۱- ترجمه المیزان، ج ۱۴، ص ۵۴۶.

بپردازد و نمی تواند خود را غیر مسئول در مسائل فرهنگی بداند.

البته این بدان معنا نیست که دولت حتماً مستقیماً به این امور بپردازد. بلکه می تواند شرایط و زمینه های کار فرهنگی درباره ساخت جامعه ای مطلوب با استانداردهایی که گفته شد فراهم نماید تا ارگان ها و سازمان های فرهنگی مستقل از دولت به این امور بپردازند و دولت نقش ناظر را داشته باشد.

به هر حال، حاکمان مسلمان باید بدانند که حتی اگر در تأمین بهداشت، امنیت، رفاه و سایر مطالبات مردم خود به توفیق صددرصد دست یابند، ولی در انجام رسالت های فرهنگی گفته شده، موفق نباشند حداکثر آن است که یک حکومت سکولار خوبی به شمار می آید، ولی هرگز نمی توان آن را حکومت اسلامی نام نهاد. حکومتی که نتواند نماز را به پا دارد و زکات را همگانی سازد و نظام ارزشی اسلامی را در قالب امر به معروف و نهی از منکر به اجراء گذارد حکومت اسلامی نیست و طبق آیه صدرالاشاره نباید انتظار حمایت و یاری از سوی خداوند را داشته باشد.

ص: ۹۱

فصل پنجم

تهاجم فرهنگی از منظر آیات و روایات

اشاره

تهاجم فرهنگی از منظر آیات و روایات

تهاجم فرهنگی از دیرباز در میان جوامع بوده است، اما به شـکل امروزین آن از دویست سال پیش با پیشرفت علم و تکنولوژی غرب شـروع شـد. اسـتکبار جهانی که با پیروزی انقلاب اسـلامی ایران قطع منافع خود را می دید، از هر وسـیله ای برای به زانو درآوردن مردم ایران بهره برد و از انواع تهاجم های نظامی، سیاسی و اقتصادی بر ضد ایران استفاده کرد.

از آنجا که انقلاب ما انقلابی فرهنگی و بر فرهنگ اسلام متکی بود، استکبار جهانی تنها راه مقابله با آن را در تهاجم فرهنگی و جـای گزینی آن بـا فرهنـگ منحط غرب می دیـد. ازاین رو، از همه ابزارهای جدیـد خود بهره برد تا بتوانـد فکر و اعتقادات مردم را وارونه کنـد، اسـتعمار جدیـد خوب می دانست فرهنـگ غنی اسـلام سـدّ راه مطـامع آنهـا در کشور های اسـلامی و به خصوص ایران است. بنابراین، با تهاجم ناجوانمردانه به این فرهنگ، می توانست به همه اهداف خود برسد؛ زیرا فرهنگ، روح و جان یک ملت است و سـقوط و صـعود جوامع را باید در فرهنگ آنها جست وجو کرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی با درک خطر عظیمی که جامعه ایرانی اسلامی را تهدید می کرد از سالیان پیش، مردم و مسئولان را خطاب قرار دادند و رسالت آنها را در شناخت و مقابله با تهاجم فرهنگی گوشزد کردند. ایشان در بیاناتی می فرمایند:

عناصر فرهنگی جامعه _ هر که هستند، هر چه هستند، چه وابستگان به دانشگاه ها، چه وابستگان به حوزه های علمیه و چه

دیگران ــ باید بدانند که امروز دشمن، بیشترین همت خود را روی تهاجم فرهنگی گذاشته است. من به عنوان یک آدم فرهنگی، این را عرض می کنم نه به عنوان یک آدم سیاسی.(۱)

تعریف تهاجم فرهنگی

تعریف تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی، هجومی است از سوی یک نظام فرهنگی خاص به نظام فرهنگی دیگر که از طریق شیوه ها و ابزارهای خاص فرهنگی به صورتی یک جانبه و ناگهانی صورت می گیرد و هدف اساسی آن جای گزینی ارزش ها، روش زندگی، اخلاقیات و نظام مکتبی فرهنگ مهاجم به جای ارزش ها، عقاید، روش زندگی اخلاقیات و نظام مکتبی فرهنگ مورد تهاجم است.(۲)

بنابراین، تهاجم فرهنگی، هجوم فرهنگ بیگانه به فرهنگ جامعه دیگر بدون رضایت این جامعه است، ممکن است تهاجم به همه ابعاد یک فرهنگ یا برخی از ابعاد آن باشد. در فرهنگ نیز شامل باورها و ارزش ها و کردارهاست.

بنابراین، ابتدا تغییر در شناخت ها و باورها صورت می پذیرد و سپس به تغییر ارزش ها و گرایش ها می انجامد. وقتی باورها و گرایش ها تغییر کرد، خود به خود رفتارها نیز دگرگون می شود.

عمر تهاجم فرهنگی، به درازای عمر بشر است و در طول تاریخ آثار آن را مشاهده می کنیم؛ اول تهاجمی تاریخ، تهاجم فرهنگ شیطانی بر

۱- سخنرانی در دیدار گروهی از معلمان و فرهنگیان و جمعی از کارگزاران، ۱۲/۲/۱۳۶۹، فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری، ص ۳۹۶.

۲- محمدحسین جمشیدی، «تهاجم فرهنگی چیست؟»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳ و ۴.

فرهنگ آدم علیه السلام بود. از آنجا که قرآن تبیان هر چیز است و کتابی است که حق و باطل را از یکدیگر جدا می کند و متضمن سعادت بشر تا نهایت تاریخ است از این رو در این فصل، تهاجم فرهنگی را از منظر آیات و روایات بررسی می کنیم.

وجود انگیزه های تهاجم فرهنگی در دل دشمنان

وجود انگیزه های تهاجم فرهنگی در دل دشمنان

خداوند می فرماید:

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ؛ گروهی از اهل کتاب آرزو می کنند کاش شما را گمراه می کردند، در صورتی که جز خودشان [کسی] را گمراه نمی کنند و نمی فهمند. (آل عمران: ۶۹)

آیه می فرماید که دسته ای از اهل کتاب (یهود) دوست دارند و آرزو می کنند که شما را گمراه کنند و از ایمان به خدا به سوی کفر و شرک بازگردانند.

این آیه از آرزوی قلبی دسته ای از اهل کتاب زمان پیامبر پرده بر می دارد، اما از آنجا که مورد مخصّص نیست، این واقعیت را بیان می کند که همه دشمنان اسلام چنین آرزویی را در دل دارند و این امر فقط با تغییر فرهنگ مسلمانان و در واقع تهاجم به فرهنگ آنها امکان پذیر است. بنابراین؛ این آیه خبر از توطئه فرهنگی در دل دشمنان اسلام می دهد.

در واقع، برای دشمنان اسلام مهم این است که جامعه مسلمانی با فرهنگ اسلامی وجود نداشته باشد، حال فرهنگ جای گزین هر چه باشد فرق نمی کند.

بنابراین، مسلمانان نباید در مباحث فرهنگی ساده لوحانه برخورد کنند و گفت وگو درباره تهاجم فرهنگی را توهم توطئه بدانند. همچنانکه در طول تاریخ هر جا اسم اسلام به میان آمده است. دشمنان داخلی و خارجی به مقابله با آن برخاستند، برخی از راه نظامی و برخی از طریق فرهنگی سعی کردند مظاهر و فرهنگ اسلام را از بین ببرند.

زمینه های تهاجم فرهنگی

اشاره

زمینه های تهاجم فرهنگی

زیر فصل ها

الف) دوستی دنیا زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی

ب) اعتقاد نداشتن به آخرت زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی

الف) دوستی دنیا زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی

الف) دوستی دنیا زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی

خداوند می فرماید:

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنْ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَهِ مِنْ الذَّهَبِ وَالْفِضَّهِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَهِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ. (آل عمران: ۱۴)

دوستی خواستنی ها [ی گوناگون] از زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب های نشان دار و دام ها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شد. [لیکن] این جمله مایه تمتع زندگی دنیاست و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست.

خداوند در این آیه، علاوه بر نکوهش علاقه شدید و وابستگی به امور دنیوی ای مانند زنان و ثروت و مرکب های خوب و دام و کشت، می فرماید اینها از امور دنیوی است که پس از مدتی از بین می روند و نیک و حسن عاقبت نزد خداست.

بی شک موارد یادشده از ضروریات زندگی دنیوی است و بدون آن گذران زندگی امکان پذیر نخواهد بود، اما آنچه نهی و نکوهش شده،

هـدف قرار دادن آنها و دلبسـتگی شدید به این امور دنیوی است که آخرت را از یاد می برد و انسان را تا سـر حدّ حیوان تنزل می دهد.

بنابراین، مواردی چون زن و ثروت و امکانات مالی، می تواند وسیله آزمایش الهی قرار بگیرد. اگر آنها را در جایگاه خودشان و به عنوان ابزار زنـدگی اسـتفاده کردیم و به آنهـا وابسـته نشـدیم، در آزمـایش موفق بوده ایم، اما اگر از آنها به عنوان هـدف اسـتفاده کردیم و آرزوی ما رسیدن به آنها شد و جایگاه آنها را از سطح ابزار بالاتر بردیم، در آزمایش موفق نبودیم و خسران و ضـرر کرده ایم. همین عامل زمینه سودجویی را برای سودجویان و دزدان و گردنکشان فرهنگی و غیر فرهنگی فراهم خواهد کرد تا به مطامع خویش دست یابند.

بی شـک جـامعه ای که مردم آن پیرو هوس هـا و امیـال شـهوانی هسـتند، به آسـانی در معرض تهـاجم فرهنگی بیگانگان قرار گرفته و برای رسیدن به خواسته های شهوانی خود باورها و ارزش های دینی را زیر پا می گذارند و کم کم رفتار و منش آنها، برگرفته از فرهنگ وارداتی خواهد شد.

از این رو، شهوت پرستی و ارضای بی قاعده خواسته های غریزی، راهی برای نفوذ فرهنگی دشمن خواهد بود.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در قسمتی از نامه ای به یکی از اصحابش فرمود:

فـارفُضِ الـدُّنیا فَاِنَّ حُبَّ الـدنیا یُعْمی وَ یُصِمَّ رَیْبِکُمْ و یُـذِلُّ الرِّقـاب؛ دنیـا را رهـا کن که محبت دنیـا کور و کر و لالـ و زبونی کند.(۱)

بر اساس این روایت، محبت بی جان دنیا آدمی را ناتوان از فهم واقعی

۱- کافی (ط ـ الاسلامیه)، ج ۲، ص ۱۳۶.

مسائل می کند. به عبارت دیگر، عقل انسان را که وسیله تشخیص خیر و شر است مختل می کند و راه را برای گمراه کنندگان و دزدان ایمان فراهم می کنند. پس آنها در معرض هجوم فرهنگی دشمنان قرار می گیرند.

ب) اعتقاد نداشتن به آخرت زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی

ب) اعتقاد نداشتن به آخرت زمینه پذیرش تهاجم فرهنگی

خداوند می فرماید:

وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَهُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ.

و [چنین مقرر شده است] تا دل های کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند به آن [سخن باطل] بگراید و آن را بپسندد، تا اینکه آنچه را باید به دست بیاورند، به دست آورند. (انعام: ۱۱۳)

خداوند در این آیه در ادامه آیه قبل می فرماید کسانی گوش به وسوسه های شیاطین جنی و انسی می دهند و دل هایشان به آنها متمایل می شود که ایمان به آخرت ندارند. در واقع، وسوسه ها و تبلیغات بیرونی وقتی پذیرفته می شود که ایمان افراد ضعیف و سست باشد. علت امر نیز روشن است؛ زیرا کسانی که اعتقادی به معاد و جهان آخرت ندارند و هستی و سرمایه خود را در همین دنیا می بینند از هر صدایی که به لذت جویی دعوت کند استقبال می کنند و به سوی آن جلب می شوند و این امر زمینه را برای اشاعه فحشاء و فساد و از بین بردن ارزش های دینی و فرهنگی و یا همان تهاجم فرهنگی فراهم می آورد.

موسیقی های مبتذل از ابزارهای تهاجم فرهنگی

موسیقی های مبتذل از ابزارهای تهاجم فرهنگی

خداوند می فرماید:

وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِی لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ. (لقمان: ۶)

و برخی از مردم کسانی انـد که سـخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی[هیچ] دانشـی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند; برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود.

در مورد شأن نزول این آیه آمـده است که نضـر بن حارث، مرد تاجری بود که به ایران سـفر می کرد و در آنجا اخبار و افسانه هـای ایرانی را از منـابعش می گرفت و برای قریش تعریف می کرد و به ایشان می گفت: محمـد از عاد و ثمود برایتان تعریف می کنـد و مـن از رسـتم و اسـفندیار و اکاسـره. مردم هـم قصـه هـای او را گـوش می دادنـد و بـه آیـات قرآن گـوش فرا نمی دادند.(۱)

ازاین رو، آیه فوق نازل شـد و کسانی را که با بیان داسـتان های موهوم مردم را از راه حق باز می دارنـد به عـذاب الهی وعـده می دهد. بی شک، این افراد درصد تغییر فرهنگ مسلمانان و یا بازداشتن دیگران از سخن حق بودند. در واقع، یک نوع تهاجم فرهنگی را پی ریزی می کردنـد. نکته دیگر اینکه بر اساس نظر مفسـران «لَهْوَ الحدیث» منحصـر در داسـتان های موهوم نیست، بلکه هر سـخن بیهوده را شامل می شود. ماننـد موسـیقی مبتـذل، در حدیثی از امام صادق علیه السـلام نقل شده که غنا یکی از مصادیق «لهو الحدیث» است.(۲)

در روایات نیز بر حرمت موسـیقی های مبتذل و غنا تأکید شده است. ابن مسعود از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند:

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، صص ۳۱۶ و ۳۱۷.

۲- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۷.

اَلْغِناءُ یُنْبِتُ النِّفاقَ فِی الْقَلْبِ کما یُنْبِتُ الماءُ الْبَقْلَ.(۱)

غنا و آوازه خوانی نفاق را در قلب پرورش می دهد و همان گونه که آب گیاه را پرورش می دهد.

ازاین رو، می بینیم در حال حاضر، موسیقی های مبتذل و آهنگ های مطرب، ابزاری برای دور کردن جوانان از دین و معارف الهی شده است؛ زیرا این آهنگ ها و نواها چنان بر روح و دل افراد اثر می گذارد که جایی برای شنیدن صدای فطرت و خداجویی نخواهد گذاشت.

علاوه بر این، موسیقی مبتذل راه را برای انجام فسادهای دیگر مانند زنا، میگساری و دیگر فسادهای اخلاقی دیگر باز می کند و حریم های عفت و حیا را در میان دختران و پسران جوان زیر پا می گذارد و آنان را آماده هر گونه اعمال خلاف می کند. بنابراین، یکی از ابزار تهاجم فرهنگی اشاعه موسیقی های مبتذل است.

برخی شیوه های تهاجم فرهنگی

اشاره

برخی شیوه های تهاجم فرهنگی

زیر فصل ها

الف) استفاده از نمادهای مذهبی در تهاجم فرهنگی

ب) جلوگیری از اشاعه فرهنگ اسلام از انقلاب

الف) استفاده از نمادهای مذهبی در تهاجم فرهنگی

الف) استفاده از نمادهای مذهبی در تهاجم فرهنگی

خداوند می فرماید:

وَالَّذِینَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَکُفْرًا وَتَفْرِیقًا بَیْنَ الْمُؤْمِنِینَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَیَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَی وَاللَّهُ یَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَکَاذِبُونَ. (توبه: ۱۰۷)

و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است، و [نیز] کمینگاهی است برای کسی

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۲.

که قبلاً ـ با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود، و سخت سوگند یاد می کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم. و[لی] خدا گواهی می دهد که آنان قطعاً دروغ گو هستند.

آیه فوق به داستان مسجد ضرار اشاره دارد که بعد از ساخته شدن مسجد قبا و اقامه نماز از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله در آن، عده ای از منافقان در کنار مسجد قبا، مسجد دیگری ساختند تا برای نقشه کشی علیه مسلمین پایگاهی داشته باشند مؤمنین را از مسجد قبا متفرق سازند و نیز در آن مسجد بر ضد پیامبر صلی الله علیه و آله به پا خیزند و ایشان را از مدینه بیرون کنند.

پس از آنکه منافقان مسجد ضرار را بنا کردند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست کردند که در مسجد آنان، نماز بخواند و آنها را دعا کند.(۱)

اما خداوند پیامبرش را از توطئه سازندگان مسجد ضرار آگاه و حضرت را نهی می کند که در آن مسجد نماز بخواند و دستور می دهد آن مسجد را آتش بزنند و محل زباله باشد.

بنابراین، آیه فوق نشان می دهد که مسلمانان نباید فریب ظواهر را بخورند و باید آن قدر بصیر باشند که نیت بانیان و عواملی که این گونه برنامه ها را پشتیبانی می کنند بشناسد.

اصولاً استفاده از نمادهای مذهبی و یا چهره های مذهبی، برای تهاجم بر ضد آن مذهب و فرهنگ از روش های استعمارگران بوده است. آنها به خوبی می دانند که برای تغییر یک فرهنگ یا مذهب، نمی توان مخالفت علنی با آنها کرد بلکه باید به تدریج و کم کم آن فرهنگ را توخالی کرد و در این راه باید از نماد و چهره های آن فرهنگ استفاده کرد تا اطمینان

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۵۳۲.

مردم را به خود جلب و آنگاه ضربه نهایی را بر آنها وارد کند.

در انقلاب ما نیز دشمن از این شیوه استفاده کرد از زبان چهره های مذهبی ساده لوح، شبهات را به جامعه تزریق می کند یا در قالب برپایی مراسم مذهبی افکار و اندیشه های خود را رواج می دهد.

بنابراین، استفاده از نمادها و چهره های فرهنگی بر ضد همان فرهنگ، از روش ها و شیوه های دشمن در تهاجم فرهنگی است که قرآن و اسلام مردم را از آن آگاه کرده است.

ب) جلوگیری از اشاعه فرهنگ اسلام از انقلاب

ب) جلوگیری از اشاعه فرهنگ اسلام از انقلاب

خداوند می فرماید:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ. (فصلت: ۲۶)

کافران گفتند به این قرآن گوش مدهید و سخن بیهوده بدان بیامیزید، شاید پیروز گردید.

این آیه به یکی از کارهای زشت کافران زمان پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد. بر اساس روایات مورد شأن نزول آیه فوق چنین است که هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه صدای خود را به تلاوت قرآن مجید و کلمات شیرین و جذاب و پر محتوای خداوند بلند می کرد، مشرکان مردم را از او دور می کردند و می گفتند سوت و صفیر بکشید و صدا را به شعر بلند کنید تا سخنان او را نشنوند.

این یکی از توطئه ها و شیوه های کفار برای جلوگیری از گسترش فرهنگ اسلام، در میان مردم بدفرهنگ آن زمان بوده است.

امروزه نیز استکبار جهانی در جنگ نرم و فرهنگی خود، بر ضد

اسلام و به خصوص انقلاب اسلامی ایران از همه ابزارها و تکنولوژی ها و برنامه های نرم افزاری بهره می برد تا نگذارد صدای اسلام و انقلاب به گوش جهانیان برسد و این فرهنگ در چهارچوب و حصار مرزهای ایران باقی بماند. استکبار پا را از این نیز فراتر می گذارد و از طریق ماهواره و فضای مجازی با اشاعه اخبار کذب، مرم را سرگرم می کند؛ به طوری که افرادی که در داخل کشور زندگی می کنند از شنیدن معارف و فرهنگ اسلام و انقلاب و اخبار کشور بیزار می شوند و هیچ گونه تمایلی برای شنیدن آن ندارند و یا فرصتی برای شنیدن پیدا نمی کنند. در واقع، استعمار با شگردهای خاص خود و ابزارهای پیشرفته رسانه ای که در دست دارد با یک تیر دو هدف را نشانه گرفته، اول آنکه مردم را از شنیدن فرهنگ و معارف اسلام و پیشرفت های کشور دور نگه می دارد و دوم آنکه فرهنگ منحط و مبتذل خود را تبلیغ می کند.

بنابراین، مانع تراشی برای نشر فرهنگ اسلامی و انقلابی، شیوه ای برای تهاجم بهتر فرهنگی است.

راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی

اشاره

راه های مبارزه با تهاجم فرهنگی

زیر فصل ها

الف) اعتماد نداشتن به مهاجمان فرهنگی

ب) مجازات و طرد مفسدان فرهنگی

ج) استفاده از روش های ایجابی قبل از برخورد سلبی

الف) اعتماد نداشتن به مهاجمان فرهنگی

الف) اعتماد نداشتن به مهاجمان فرهنگی

خداوند می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِنْ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ. (مائده: ۵۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید کسانی را که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته اند [چه] از کسانی که پیش از شما به آنان

کتاب داده شده و [چه از] کافران، دوستان [خود] مگیرید، و اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید.

خداوند در این آیه، به مؤمنان دستور می دهد که به کفار و منافقان اعتماد نکنند و آنها را دوست خود نگیرند؛ زیرا آنها دین شما را به سخره و بازی می گیرند.

این مطلب در آیات بسیاری تذکر داده شده از جمله سوره مائده آیه ۵۷ و سوره نساء آیه ۱۴۴. فلسفه مطلب این است که کسانی که اعتقادشان با ما فرق دارد و از هر راهی درصدد ضربه زدن به اسلام و مسلمین هستند قابل اعتماد نیستند و نباید با آنها به عنوان یک دوست و همراز و تکیه گاه نگاه کرد. تاریخ نشان می دهد که بدبختی های مسلمانان از همین اعتماد بی جا و دوستی های نابه جا با کفار سرچشمه می گیرد. اندلس و امپراتوی عثمانی بهترین گواه بر این ادعاست.

استکبار که منافع خود را در خطر می دید با تهاجم فرهنگی بر ضد فرهنگ غنی اسلامی، به مقابله با نظام جمهوری اسلامی پرداخت. راه مبارزه با این تهاجم به کارگیری این اصل قرآنی است که نباید کفار و دشمنان اسلام را دوست بگیریم و به آنها اعتماد کنیم. باید در همه زمینه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی مراقب آنها بود. اگر مردم این اصل قرآنی را رعایت کنند و هر خبری که از رسانه های غربی خارج می شود وحی منزل ندانند، و هر مُدّ یا سبک زندگی برخاسته از غرب را به دیده تردید بنگرند و عاشق و شیفته نشوند، و هر فکر و اندیشه ای که از فرهنگ های مهاجم می آید نقد و بررسی کنند و آن را با مبانی فرهنگی کشورمان بسنجند، و در صورت هماهنگی با باورها و ارزش های خودمان آن را قبول کنند. و تهاجم فرهنگی مجالی برای عرضه نخواهد

داشت. اسلام هیچگاه با تبادل فرهنگی و داد و ستد ارزش های فرهنگی مثبت مخالفت نکرده است. اسلام با تقلید کورکورانه و بدون علم مخالف است.

ب) مجازات و طرد مفسدان فرهنگی

ب) مجازات و طرد مفسدان فرهنگی

خداوند می فرماید:

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَکَ فِی الْحَیَاهِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَکَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَی إِلَهِکَ الَّذِی ظَلْتَ عَلَیْهِ عَاکِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِی الْیَمِّ نَسْفًا. (طه: ۹۷)

(موسی) گفت: برو که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگویی «با من تماس نگیر» و تو میعادی از (عذاب خدا) داری که هرگز تخلف نخواهد شد. (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می کردی و ببین ما آن را نخست می سوزانیم سپس ذرات آن را به دریا می پاشیم.

آیه فوق به داستان سامری اشاره دارد که از غیبت حضرت موسی علیه السلام سوء استفاده کرد و با ساختن گوساله ای مردم را به شرک کرد. حضرت موسی علیه السلام پس از مراجعت و با مشاهده وضعیت دردناک قوم خود، از سامری بازخواست کرد و علت گمراه کردن مردم را جویا شد. ولی حضرت موسی علیه السلام پاسخ و عذر سامری قابل را نپذیرفت بنابراین فرمان محکومیت او را داد و سه حکم برای او صادر کرد.

۱. راندن از اجتماع و ادامه حیات به دور از مردم؛ ۲. وعده عذاب الهی در آخرت؛ ۳. از بین بردن و نابودی گوساله ای که ساخته بود.

بنابراین، بر اساس این آیه بر اینکه با کسانی که مردم را گمراه

می کننـد و قصد تهاجم به فرهنگ مردم را دارند، باید برخورد کرد و آنها را مجازات و طرد کرد. نباید به بهانه آزادی آنها را رها کرد تا درس عبرتی برای دیگران باشد و کسی طمع در افساد و گمراهی مردم نداشته باشد.

بر اساس صـریح آیه بالا باید آنچه را مظهر فساد است نابود کرد. چنانکه حضـرت موسـی علیه السـلام به سامری گفت: به این معبودت (گوساله) که پیوسـته آن را عبادت می کردی، نگاه کن و ببین ما آن را می سوزانیم و سـپس ذرات آن را به دریا می پاشیم.(۱)

متأسفانه فضای فرهنگی کشور ما تحت تأثیر برخی افکار لیبرالیستی به سمتی می رود که هر کس انحرافی ایجاد می کند، با او برخورد نمی شود و این را آزادی عقیده و فکر به حساب می آورند. در صورتی که آزادی عقیده با گمراه کردن مردم تفاوت دارد. آزادی عقیده مطلبی است و تبلیغ و اشاعه خرافات و منکرات مطلب دیگری است و خلط این دو، مشـکلاتی را به بار می آورد.

بنابراین، بر اساس این اصل قرآنی، نبایـد با منحرفان و مفسـدان فرهنگی و محصولات آنها بی تفاوت بود و حتماً باید از جامعه طرد شوند و نتیجه کارشان نابود شود.

ج) استفاده از روش های ایجابی قبل از برخورد سلبی

ج) استفاده از روش های ایجابی قبل از برخورد سلبی

خداوند می فرماید:

قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِي

۱- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۸۸.

فِي ضَيْفِي. (هود: ۷۸)

[لوط] گفت: «ای قوم من، اینان دختران منند. آنان برای شما پاکیزه ترند. پس از خدا بترسید و مرا در کار مهمانانم رسوا مکنید.

این آیه اشاره به داستان حضرت لوط علیه السلام دارد. بر اساس آنچه در تفاسیر آمده، مهمانان ناشناسی برای لوط پیامبر علیه السلام آمدند و حضرت آنها را به خانه اش دعوت کرد. در میان راه مرتب حضرت به مهمانانش تذکر می داد که مردم شهر او منحرف و شرور هستند تا شاید از آمدن منصرف شوند، لوط مهمانان را شبانه به خانه برد تا مردم متوجه آمدن آنها نشوند. همسر لوط که زن بی ایمانی بود، ورود میهمانان جوان و زیبا را به مردم شهر اطلاع داد. در این حال افراد قوم لوط، به سرعت به سوی خانه لوط آمدند، لوط برای اینکه مردم را از کار زشتی که در نیت داشتند منصرف کند فرمود: «من حتی حاضرم دختران خودم را به عقد شما درآورم، در عوض شما از این کار صرف نظر کنید. اما قوم او بی شرمانه گفتند: که تو خود می دانی که ما از دختران توقعی نداریم. این نهایت انحراف و پستی قوم لوط بود که در گناه خود غوطه ور شده بودند».(۱)

از این آیات استفاده می شود که در برخورد با مظاهر منحرف فرهنگی و مبارزه با مصادیق تهاجم فرهنگی دشمن، نباید فقط به جنبه سلبی قضیه فکر کرد و در فکر تخریب و از بین بردن مصداق منکر بود، بلکه باید راه های حلال و مجاز را گسترش داد. آنگاه با کارهای منکر برخورد کرد. همچنان که حضرت لوط در مقابله با عمل زشت قومش که به

۱- تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۸۱.

همجنسـان خود نظر سوء داشـتند، ازدواج بـا دختزانش را پیشـنهاد کرد و آنهـا را دعوت به کـار حلال و مجـاز کرد تـا از کار زشـتشان دست بکشـند. بنابراین، یکی از کارهایی که برای مبارزه با منکرات و مصادیق تهاجم فرهنگی می توان انجام داد این است که ابتدا در فکر کارهای حلال و جای گزین باشیم، سپس به نفی کار حرام بپردازیم.

ازایـن رو، وظیفـه دولتمردان و سازمـان هـا و نهادهـای فرهنگی این است که تنهـا به فکر مـوعظه و برخـورد سـلبی بـا منکرات نباشـند، بلکه فضاهـای سـالم و تفریحی و ورزشـی و امکانـات منـاسب برای اوقات فراغت ایجاد کننـد و مجال کار و تلاش را فراهم آورند. سپس برخورد سلبی و موعظه ای داشته باشند، این روش بهتر نتیجه می دهد و به عدل نزدیک تر است.

منابع

کتاب

کتاب

قرآن مجید، ترجمه فولادوند، تهران، دارالقران الکریم، ۱۴۱۵ ه. ق.

آریان پور، زمینه جامعه شناسی، تهران، فرانکلین، چاپ دهم، ۲۵۳۶.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.

جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه .ق.

طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعه العلمیه، چاپ اول، ۱۳۸۰ ه .ق.

فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران، الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ه .ق.

قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه .ق.

گروه مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰ش.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه .ق.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵ش.

مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۳.

مقام معظم رهبری، فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری، تهران، مؤسسه نشر شهر، چاپ سوم، ۱۳۹۱.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.

موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

مقالات

مقالات

بهرامی، محمد، «نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن»، نشریه پژوهش های قرآنی، شماره ۵۴ و ۵۵، سال ۱۳۸۷.

پیروزمند، علی رضا، «نقش دین در مهندسی فرهنگی کشور»، خبرگزاری فارس، سال ۱۳۸۶.

جمشیدی، محمد حسین، «تهاجم فرهنگی چیست؟»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۳.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹